



مرکز ملی فضای مجازی
پژوهشگاه فضای مجازی

عصر
فضای
مجازی
بیست و چهارم



خشونت در شبکه های اجتماعی
از منظر اخلاق و حقوق

Violence on social networks
From the perspective of ethics and law



جمهوری اسلامی ایران
مرکز ملی فضای مجازی

خسونت در شبکه‌های اجتماعی از منظر اخلاق و حقوق

گزارش شماره ۲۴

بهمن ماه ۱۳۹۸

تهیه شده در: پژوهشگاه مرکز ملی فضای مجازی - گروه مطالعات اخلاقی فضای مجازی

تهیه کننده: امیرعباس رکنی (دانشجوی ارشد جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علوم قضایی)

ناظر علمی: محمدمهدی نصرهرندی

نشانی: تهران، میدان آرژانتین، خیابان بیهقی، نش خیابان ۱۶ غربی، پلاک ۲۰، کدپستی ۱۵۱۵۶۷۴۳۱۱

<http://www.majazi.ir>

شماره تماس: ۸۶۱۲۱۰۶۱

حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به مرکز ملی فضای مجازی است و استفاده از مطالب آن صرفاً با ذکر مأخذ بلامانع است.

محتوای انتشار یافته در این گزارش الزاماً بیانگر دیدگاه مرکز ملی فضای مجازی نیست

سخن تحت

فضای مجازی با شتاب شگرف و روبه‌ترایدی که در حال بطن و کسترش است تمام ساحات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی زندگی بشر را در نور دیده و هر روز بخش بزرگی از زندگی واقعی را در خود فرو برده و حیات متفاوت و جدیدی به آن می‌دهد. لذا به نظری می‌رسد دو نگاه کلان به فضای مجازی وجود دارد: نگاه اول که بالاختص در ابتدای رشد و تکوین فضای مجازی مسلط شده بود، آن را همچون ابزاری کنار سایر ابزارهای بشری تصویر می‌کرد که تنها طریقت داشت. اما نگاه دوم، در نتیجه رشد تحولات خیره‌کننده فضای مجازی و سایه‌گستری آن در حوزه‌ها و شئون بشر در یک دهه اخیر آن را چون سکویی می‌داند که بسیار فراتر از شأن ابزاری حیات انسان‌ها را سامان جدیدی داده و ادعای تمدن‌نویسی را دارد. رویکردی که از قضا از چشمان بصیر رهبر انقلاب نیز دور نمانده و انطاری تمدنی از فضای مجازی در ایران را مطالبه داشته‌اند.

در همین راستا گزارش‌های عصر فضای مجازی تلاش می‌کند تا فهم سازمان‌ها و دستگاه‌های مرتبط با حوزه‌ی فضای مجازی را ارتقاء بخشد و آن‌ها را برای مواجهه فعال و خردمندانه با تحولات این عرصه مهیا سازد.

سید ابوالحسن فیروزآبادی

دبیر شورای عالی و رئیس مرکز ملی فضای مجازی

چکیده

خشونت از مواردی است که هر کشوری با هر دین یا مکتبی قوانینی برای جلوگیری از آن دارد؛ چرا که مذموم بودن خشونت فی الجمله از موارد مورد اتفاق بین تمامی ادیان و مکاتب اخلاقی با هر تعریفی از اخلاق است؛ خواه اخلاق را امری مطلق و تغییرناپذیر بدانیم و یا آن را امری نسبی و قابل تغییر. با این حساب مذموم بودن آن به طور مطلق مورد تأیید عمده ادیان و مکاتب اخلاقی نیست. به عنوان نمونه مکتب نتیجه‌گرا و فضیلت‌گرا و دین مبین اسلام خشونت را مطلقاً امر ناپسندی ندانسته و در برخی موارد آن را اخلاقاً جایز و بلکه واجب می‌دانند. در مقام عمل نیز می‌بینیم که در هر کشوری برخی بی‌اخلاقی‌ها با توجه به اهمیتی که در دین و فرهنگ آن جامعه داشته است، جرم‌انگاری شده و تحت عنوان جرم در قانون ذکر شده است. به دنبال آن نیز قوانینی برای مقابله با مجرمان و مجازات آن‌ها وضع شده که خود این مجازات مصداقی از اعمال خشونت البته از نوع ممدوح است. مسئله قابل بحث تعیین مصادیق مذموم و ممدوح خشونت است که نیاز به تعریف ماهیت و چیستی این مفهوم دارد. در گزارش پیش رو برآنیم تا خشونت را به لحاظ ماهوی تبیین کرده و پس از آن ارتباط میان اخلاق و خشونت را در فضای مجازی و به‌خصوص شبکه‌های اجتماعی بررسی نماییم. در این بررسی ملاحظه خواهیم کرد که تکالیف و منافع کاربر در صورت تعارض با یکدیگر چالش‌های مهمی برای او به وجود آورده، وی را دچار تحیر می‌کند و همین دو عامل سبب حرکت او به سمت بداخلاقی‌های رایج در فضای مجازی به‌خصوص خشونت می‌شود.

روش تحقیق در این گزارش به صورت کتابخانه‌ای بوده و در مقام ارائه و تدوین به صورت توصیفی-تحلیلی ارائه شده است. شایان ذکر است که با توجه به آن که موضوع مطالعه میان‌رشته‌ای می‌باشد، برای غنای هرچه بیشتر بحث از منابع و نظریات علوم اخلاق، حقوق، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی استفاده مطلوب صورت گرفته است.

واژگان کلیدی

اخلاق، حقوق، جرم، خشونت، فضای مجازی، شبکه‌های اجتماعی

فهرست مطالب

۲	 مقدمه
۳	 ۱-مباحث مقدماتی پیرامون خشونت
۷	 ۲-انواع خشونت و اشکال آن در شبکه‌های اجتماعی
۸	 ۱-۲-خشونت‌های بدون واسطه فضای مجازی
۱۲	 ۲-۲-خشونت‌های با واسطه فضای مجازی
۲۳	 ۳-رابطه خشونت با فضای مجازی
۲۳	 ۳-۱-نقش فضای مجازی در ترویج خشونت
۲۵	 ۳-۲-علل اصلی رواج خشونت در فضای مجازی
۳۰	 جمع‌بندی
۳۱	 منابع

مقدمه

اخلاق به عنوان دانشی مستقل در طول زمان دستخوش تغییرات، تحولات و توسعه شده است. چنان که بسیاری از علوم که در ابتدا به شکل بسیار ساده و تک بعدی مطرح و مطالعه شده‌اند، اخلاق نیز در ابتدا صرفاً شامل توصیفاتی ساده در خصوص ماهیت خود و توصیه‌هایی ساده برای عمل کردن بود. به مرور زمان و با توسعه و پیشرفت جوامع بشری و پیدایش علوم جدید و گسترش دانش بشری، مطالعات اخلاقی خود را بسط داده، تبدیل به علمی شناختی شد و به بسیاری از علوم راه پیدا کرد. با پیدایش هر وضعیت جدید در زندگی آدمی همواره دغدغه‌های اخلاقی لازم برای زیست در آن وضعیت از سوی متفکرین مطرح بوده است. این مسئله باعث شد تا اخلاق تبدیل به علمی میان‌رشته‌ای شود و صاحب‌نظران اخلاق و دانشمندان علمی که اخلاق در آن مطرح شده، هر دو برای استخراج چالش‌های اخلاقی و ارائه راهکارهای مواجهه با آن وارد عمل شوند. به همین ترتیب اختراعات جدید، صنعت و فناوری از مواردی است که قدرت و حتی در برخی موارد ماهیت انسان را تغییر داده و بیش از هر چیز به اخلاق احساس نیاز پیدا شود. بارزترین این موارد در زمان حاضر فضای مجازی با تمامی زیرشاخه‌های آن از جمله علوم مرتبط، خدمات، فناوری‌ها و ... است. این فضا آن قدر گسترش یافت تا کم‌کم نام مجاز را از خود دور ساخت و به فضایی برای زندگی انسان تبدیل شد. این مسئله سبب شد تا مفاهیم اخلاقی مصادیقی متفاوت از دنیای حقیقی پیدا کرده و حتی بعضاً به لحاظ ماهوی نیز تغییر کنند. به همین جهت برخی مفاهیم نیاز به بازشناسی و بازتعریفی در این فضا پیدا کرده‌اند. از جمله این مفاهیم خشونت است که حتی اگر تعریف متفاوتی پیدا نکرده باشد، مصادیق جدید و شایان توجهی پیدا کرده است که نیاز به بررسی‌های دقیق و همه‌جانبه از منظر علوم مختلف پیدا کرده است. هنگامی که فردی مرتکب عملی خشونت‌بار می‌شود، یک ارزش اخلاقی نقض می‌شود. زمانی که این نقض فراگیر می‌شود و از سوی افراد متعددی ارتکاب می‌یابد، این نتیجه حاصل می‌شود که از نظر عموم افراد جامعه دیگر وصف غیراخلاقی برای آن عمل وجود ندارد. در نتیجه نیازمند بازنگری در نظام اخلاقی و اصلاح شیوه‌های تربیتی و درونی‌سازی ارزش‌های متعالی اخلاقی به وسیله روش‌های نوین و متناسب با اقتضائات زمان هستیم. این دیدگاه سبب ترمیم و به‌روزرسانی نظام اخلاقی حاکم بر جامعه می‌شود.

در این گزارش با بررسی اجمالی اخلاق و تعریف خشونت این مفهوم را در فضای مجازی بررسی کرده، مصادیق مختلف آن را بیان می‌نماییم و در پایان راهکار مواجهه با آن را نشان خواهیم داد. در بخش اول خشونت، تعریف شده و ماهیت و انواع آن مورد بررسی قرار خواهد گرفت. همچنین ارتباط آن با دیگر خصوصیات اخلاقی یا روانی مانند پرخاشگری و افسردگی بیان می‌شود، تا مصادیق آن را در فضای مجازی به طور مشخص‌تری بتوان تعیین کرد.

در بخش دوم ارتباط میان خشونت و اخلاق در فضای مجازی بررسی شده و نمودهای آن در شبکه‌های اجتماعی با اشاره به مثال‌هایی که عموماً در سال‌های اخیر به عنوان رفتار خشونت‌آمیز تلقی شده‌اند، بررسی می‌شود.

در بخش سوم اقسام مختلف خشونت در فضای مجازی و برخی مصادیق مشهور آن در میان کاربران ایرانی معرفی خواهد شد.

۱- مباحث مقدماتی پیرامون خشونت

تعریف خشونت^۱

در خصوص خشونت تعاریف متعددی ارائه شده است. به عنوان مثال گفته شده است که خشونت عملی است که به طور فیزیکی یا هیجانی مضر بوده یا به صورت بالقوه منجر به آسیب بدنی می‌شود.^۲ در تعریف دیگری آمده است که خشونت، تندخویی، منش سخت‌گیرانه و یا بروز ناگهانی و انفجارگونه نیرویی است که صورت تهدیدکننده، مخرب و گاه قتال به خود می‌گیرد.^۳ تعریف دیگری که از جامعیت بیشتری برخوردار است این‌گونه بیان می‌کند که کاربرد نیروی فیزیکی و یا تهدید ناشی از کاربرد نیروی فیزیکی که می‌تواند لطمات جسمی و معنوی بر شخص یا اشخاص وارد کند، خشونت نام دارد.^۴

وجه مشترک این تعاریف آن است که به تناسب نقش خشونت در موضوع مورد بررسی، فعل یا ترک فعلی را خشونت‌آمیز می‌دانند که منجر به ورود آسیب‌های جسمانی یا روانی به فرد یا افرادی مشخص یا غیر مشخص شود. اشاره به نظریه‌ی روان‌شناسی باکس^۵ در خصوص خشونت نیز در نوع خود قابل تأمل به نظر می‌رسد. او اعتقاد دارد خشونت به وسیله طبقات اجتماعی قدرتمند با هدف مهار اجتماعی طبقات ضعیف جامعه تعریف شده است. این نظریه بیانگر دو نکته‌ی اصلی است: کاهش احساس گناه در طبقات مرفه و نسبت دادن جنایات واقعی به طبقات محروم.^۶

ما در تعریفی جامع و موجز از خشونت که نگاهی به تعاریفی که بیان شد نیز دارد، می‌گوییم: هرگونه فعل یا ترک فعل عمدی و آگاهانه که با امیال، علایق، باورها، اعتبار و حیثیت فرد یا گروهی مغایر بوده و سبب تحقق یا بیم از آسیب جسمانی یا ترس یا رنج یا اضطراب شود، مشمول عمل خشونت‌بار است.

^۱ Violence

^۲ مطالعه عوامل پیش‌بینی‌کننده خشونت علیه زنان در دو گروه از زنان مراجعه‌کننده به دادگاه‌ها و زنان گروه کنترل، پژوهش زنان

^۳ پرسش از تکنولوژی و خشونت، ماهنامه کیان

^۴ اسلام سیاسی انقلاب اسلامی و جهان‌سازی از خشونت، اندیشه سیاسی در اسلام

^۵ Steven Box

^۶ روانشناسی جنایی، ص ۱۹۲

خصوصیات خشونت

خشونت می‌تواند پایدار یا زودگذر و عمدی یا غیرعمدی باشد؛ اما همواره یا هدف خود را تخریب می‌کند و یا قصد چنین تخریبی را دارد. به اعتقاد محققین علم روان‌شناسی خشونت وقتی بروز می‌کند که خشم فرد فراتر از حدی است که بتواند پرخاشگری یا برانگیختگی خود را مهار کند. افرادی که توانایی کنترل پایینی در اعمال خود دارند، در مواجهه با عوامل تحریک‌کننده عموماً رفتار خشونت‌آمیز انجام می‌دهند. عکس این قضیه نیز صادق است.

خشونت با کینه تفاوت‌هایی دارد. برخی ویژگی‌هایی که خشم بر خلاف کینه دارد، عبارت است از:

- خشم نسبت به عملی پدید می‌آید که معطوف به خود شخص یا متعلقات باشد.
- خشم با گذشت زمان کاهش می‌یابد و فرو می‌نشیند.
- فرد خشمگین در لحظه نیازمند آن است تا خشم خود را نشان دهد.

همچنین خشونت با پرخاشگری متفاوت است. پرخاشگری به منزله ارتکاب یا کوشش در ارتکاب رفتاری است که با قصد صدمه زدن جسمانی یا روانی به فرد دیگر یا تخریب عمدی یک شیء انجام می‌گیرد. اما از آن جا که تمام رفتارهای پرخاشگرانه را نمی‌توان مجرمانه (به معنای حقوقی جرم)^۱ دانست، اصطلاح خشونت تنها به معنای پرخاشگری مخرب جسمانی که با قصد صدمه زدن به اشخاص یا اشیاء به راه می‌افتد، به کار برده می‌شود. معمولاً پرخاشگری در برابر فردی که به صورت تهدید‌کننده جلوه‌گر می‌شود، بروز می‌کند و پرخاشگر به اعمالی برای پاسخ‌گویی به این تهدید مبادرت می‌کند. تهدیدگر واکنش نشان می‌دهد و فرد پرخاشگر مجدداً پاسخ می‌دهد. چنین تعاملی به خشونت کشانده می‌شود. یکی از مصادیق مهم این گزاره را در قسمت نظرهای پست‌ها در شبکه‌های اجتماعی خصوصاً اینستاگرام می‌توان مشاهده کرد.

مطلب دیگر آن است که خشونت - اگرچه با عوامل مختلفی در ارتباط است - اما یکی از بیشترین عواملی که بر این مقوله تأثیرگذار است با توجه به بسیاری از پژوهش‌های روان‌شناسی افسردگی است. در بسیاری از افرادی که به عنوان یک فرد خشن شناخته می‌شوند، ویژگی‌های افسردگی قابل مشاهده است. محققین روان‌شناسی بر این باورند که خشونت از سویی در موقعیت‌های اجتماعی ناراحت‌کننده به راه می‌افتد و از سوی دیگر دفاع از حیثیت فردی را هدف قرار می‌دهد.^۲ به عنوان مثال در یک پروژه تحقیقاتی که به مقایسه افراد خشن و غیرخشن پرداخته شد، مشخص شد که افسردگی را می‌توان ویژگی بارز افراد خشن در نظر گرفت و آن را تبیین‌کننده اعمال خشونت‌آمیز آن‌ها دانست.^۳ البته نتایج این تحقیقات به این منزله نیست که افسردگی تنها عامل مبادرت افراد به خشونت است.

^۱ Crime

^۲ Book Review, Violent Men: An Inquiry Into The Psychology of Violence, 184-185

^۳ An empirical typology of violent incidents reported by prison inmates with convictions for violence, 21-32

نکته‌ای که به لحاظ روان‌شناسی برای تبیین خشونت به‌خصوص در شبکه‌های اجتماعی قابل مطرح شدن است، حالتی به نام «فردزدایی»^۱ می‌باشد که بیانگر مبهم و نامشخص بودن نقش فرد در گروه است. این حالت احساس گمنامی را در اعضای گروه به وجود آورده و این نکته را بیان می‌کند که هیچ‌کس به منزله‌ی یک فرد خاص و یا یک شخص متمایز نباید مطرح شود. بنابراین فردزدایی با کاهش خودآگاهی موجب می‌شود تا اعضای یک گروه به پیامدهای منفی عمل خود توجه نکرده، آموزه‌های اخلاقی را نادیده بگیرند و در نتیجه رفتارهای خشونت‌آمیز در آنان افزایش یابد.

منشأ خشونت

برای این که انسان بتواند وجود خویش را حفظ کند و به کمال برساند، خداوند در طبیعت او تمایلاتی قرار داده که هرچه را خوب و پسندیده بوده و برای او سودمند است، دوست دارد و از هر چه به او ضرر می‌رساند، دوری می‌کند. این‌ها حالاتی است که به نفس انسان دست می‌دهد و بعضاً ممکن است شدید باشد. این تمایلات برخی ناشی از خودپرستی و برخی ناشی از کمال‌گرایی است. تمایلاتی که ناشی از خودپرستی است، عموماً جسمانی بوده و برخی از آن‌ها نیز ترکیبی از جسمانی و غیرجسمانی است، از جمله عزت نفس، جاه‌طلبی، قدرت‌خواهی، خودنمایی، مال‌دوستی و غیره.^۲ منشأ خشونت چنین اصلی در نهاد انسان است.

از مهم‌ترین دلایل ایجاد خشم در آدمی مورد تحقیر و توهین واقع شدن است. حتی یک عمل ساده مانند مخالفت با نظر یک فرد در صفحه شخصی او در یک شبکه اجتماعی می‌تواند باعث ایجاد خشم در او شود. چه بسا انسان از شوخی نیز اگر حاوی نوعی اهانت بوده و یا نابجا باشد، خشمگین شود؛ زیرا آن را نوعی تحقیر به حساب می‌آورد. از آن‌جا که روحيات و ویژگی‌های شخصیتی افراد با یکدیگر متفاوت است، عوامل بروز خشم نیز از فردی با فرد دیگر متفاوت است.

ارزش‌گذاری خشونت

خشونت در عمده مکاتب دینی و اخلاقی امری فی‌الجمله مذموم است. هر چند بنا بر یکی از نظریات مهم در علم روان‌شناسی که حاصل تحقیقات ماروین ولفگانگ^۳ و فرانکو فراسوتی^۴ است در برخی از خرده‌فرهنگ‌ها که عمدتاً نیز شامل جوانان است، خشونت به عنوان یک ارزش و هنجار قانونی پذیرفته شده و انجام آن مضاف بر آن که سبب ایجاد هیجان می‌شود، راهی برای رسیدن به منزلت اجتماعی نیز هست. در این خصوص ناکامی‌های ناشی از نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی و همچنین تعارضات فرهنگی نقش مهمی ایفا می‌کنند.

^۱ Deindividuation

^۲ رک: آیین سخن‌وری، مقاله چهارم، احوال نفسانی

^۳ Marvin Eugene Wolfgang

^۴ Franco Ferracuti

از نظر اسلام دسته‌ای از اعمال خشونت‌آمیز مجاز و شرعی تلقی می‌شوند. در نتیجه، هر خشونت‌داری بعد منفی نبوده و مواردی نظیر دفاع مشروع، اعمال حاکمیت و مجازات مجرمان - گرچه عملی خشونت‌آمیز باشند - به تجویز شارع مقدس حرمتی بر آنان مترتب نخواهد شد. لذا فاعل آن نیز مسئولیت اخلاقی نخواهد داشت.^۱

رابطه خشونت با اخلاق

ارتباط میان اخلاق و خشونت را چه در دنیای واقعی و چه در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی می‌توان ارتباطی دوسویه دانست. از طرفی اخلاق به عنوان یک نظام و سلسله ارزش‌ها که رفتارهای خوب و پسندیده و بد و ناپسند را معرفی می‌کند، همواره خشونت را به عنوان یک بداخلاقی نهی کرده است. در طرف مقابل خشونت بیانگر وجود آسیب در یک فرد و آموزه‌ها، عقاید و نظام اخلاقی او است. در شبکه‌های اجتماعی با توجه به ظرفیت‌ها و امکاناتی که در اختیار کاربران قرار می‌گیرد، طیف وسیعی از خشونت قابلیت بروز و ظهور دارد. آسیب‌های ناشی از یک رفتار خشونت‌آمیز در مرحله اول شاید فقط متوجه شخصی باشد که مورد خشونت واقع شده است؛ اما با تحقق یک عمل خشونت‌آمیز دامنه آسیب‌های آن از همان لحظه رو به گسترش می‌نهد و بسیاری از افراد جامعه را در بر می‌گیرد؛ چرا که خشونت از جمله بداخلاقی‌هایی است که قابلیت فراگیری و تقلید دارد؛ بدین صورت که آموخته شده و آموزش داده می‌شود. به همین دلیل خشونت به شکل جدی یک نظام اخلاقی و اجتماعی را به چالش می‌کشد. در واقع خشونت یکی از محک‌های مهم نظام اخلاقی است و در مصاف خشونت و اخلاق مشخص می‌شود که آموزه‌های یک نظام اخلاقی تا چه میزان قابلیت بازدارندگی پیروان آن را نسبت به خشونت دارد. در اخلاق اسلامی نیز به اهمیت کنترل خشم و خشونت اشاره زیادی شده است، مانند این که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَا تَجَزَّعَ عَبْدٌ جُرْعَةً أَفْضَلَ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ جُرْعَةٍ غَبِظٍ كَظَمَهَا ابْتِغَاءً وَجْهِ اللَّهِ؟» هرگز بنده‌ای جرعه‌ای را فرو نبرده است که نزد خداوند برتر باشد از جرعه خشمی باشد که به خاطر خدا فرو برد.^۲

نگاهی اجمالی به وضعیت خشونت در جامعه

افزایش خشونت پنهان و آشکار در اعضای جامعه به دلیل فشارهای زندگی اجتماعی و مشکلات اقتصادی و خانوادگی یکی از دلایل قابل توجه فراموشی اصول اخلاقی است. به عنوان مثال به گفته معاون پرورشی و فرهنگی وزارت آموزش و پرورش در آذرماه ۱۳۹۸، ۳۰ درصد دانش‌آموزان تمامی مقاطع تحصیلی در حوزه سلامت روان از استانداردهای لازم برخوردار نیستند و یک درصد دانش‌آموزان نیاز به خدمات اورژانسی در حوزه آسیب‌های روانی دارند. باید توجه داشت که این دانش‌آموزان که وظیفه ساخت آینده کشور را بر عهده دارند -

^۱ رک: معناشناسی خشونت، مطالعات راهبردی زنان

^۲ نهج الفصاحة، ص ۶۹۷، ح ۲۶۲۸

در حالی که هنوز به شکل جدی درگیر زندگی در جامعه نشده‌اند- دارای شرایط ارتکاب رفتارهای خشونت‌آمیز و درصدی حتی دارای حالت خطرناک هستند. امروز دیگر موضوع مقابله با آسیب‌های اجتماعی به یک خانواده و دستگاه اختصاص ندارد، زیرا امروز همه در معرض این آسیب‌ها هستیم.^۱

تجربه مشاهده خشونت، احساس خشونت و یا قربانی رفتارهای خشونت‌آمیز بودن به شکل قابل توجهی در حال افزایش است. آمار رسمی سازمان پزشکی قانونی کشور در سال ۹۶، نشان می‌دهد تعداد ۹۳۲۵۹ نفر به علت صدمات و جراحات ناشی از نزاع‌های خیابانی به مراکز پزشکی قانونی استان تهران مراجعه کرده‌اند. این در حالی است که یک سال بعد یعنی در سال ۹۷، تعداد مراجعین به پزشکی قانونی در همین رابطه، افزایش ۷۹۸۶ نفری داشته و این رقم به ۱۰۱۲۸۱ مراجعه‌کننده در این سال رسیده است، شماری که خود می‌تواند حاکی از پایین آمدن آستانه تاب‌آوری و تحمل مردم در نتیجه افزایش شمار درگیری‌ها و رفتارهای پر خشکرایانه در سطح اجتماع باشد.^۲

۲- انواع خشونت و اشکال آن در شبکه‌های اجتماعی

خشونت‌های موجود در فضای مجازی را بسته به این که بستر فضای مجازی در ایجاد آن نقش واسطه و ابزار دارد - به گونه‌ای که اگر فضای مجازی نبود آن خشونت به وجود نمی‌آمد- و یا خشونت قابلیت انجام در این بستر را همانند فضای حقیقی دارد، می‌توان به دو دسته تقسیم کرد و مورد بررسی قرار داد. دسته‌ای از خشونت‌ها متناسب با شرایط شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی قابلیت ظهور و بروز به شکل مستقیم در آن بستر را دارند. این نوع را خشونت‌های بی‌واسطه در فضای مجازی باید نامید. از جمله مهم‌ترین اعمال خشونت‌آمیز در این قسم می‌توان به توهین، تهدید، ایجاد مزاحمت، تشویق و تهييج به اعمال خشونت‌بار، نفرت‌پراکنی و تحقیرهای جنسیتی و قومیتی اشاره کرد. دسته‌ای دیگر از خشونت‌ها با توجه به شرایط و بستر فضای مجازی امکان تحقق مستقیم در شبکه‌های اجتماعی را ندارند؛ بلکه یا از محیط حقیقی وارد این فضا شده و در آن انعکاس می‌یابند و یا فضای مجازی بالاخص شبکه‌های اجتماعی زمینه و بستر ارتکاب آن‌ها را در محیط حقیقی فراهم می‌کند. این قسم دوم را خشونت‌های با واسطه در فضای مجازی باید نامید. این نوع از خشونت می‌تواند شامل تمام اقسام رفتار خشونت‌آمیز شود، چنان‌چه شبکه‌های اجتماعی وسیله انتشار آن به صورت زنده یا از پیش ضبط‌شده باشد. اما تعدادی از این رفتارهای خشونت‌آمیز فراوانی بیشتری در سطح شبکه‌های اجتماعی دارند که از جمله مهم‌ترین آن‌ها در زمان حاضر می‌توان به پخش تصاویر و فیلم‌های حیوان‌آزاری، کودک‌آزاری، خودزنی و خودکشی، ضرب و جرح افراد، تصاویر صحنه ارتکاب جرم، نمایش آلات جرم، تصاویر نزاع‌های گروهی

^۱ ۳۰ درصد دانش‌آموزان استانداردهای سلامت روان را ندارند، ایسنا

^۲ سایه سنگین خشونت بر سر ارتباطات اجتماعی، ایرنا

و دسته‌جمعی به‌منظور قدرت‌نمایی و معرفی افراد و گروه‌های خشن به قصد ایجاد شهرت کاذب و رعب و وحشت اشاره کرد. در ادامه به توضیح و تشریح اهم این رفتارهای خشونت‌آمیز به شکل مختصر خواهیم پرداخت.

۲-۱- خشونت‌های بدون واسطه فضای مجازی

توهین

مطابق با ماده ۶۰۸ از قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵ توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک چنانچه موجب حد قذف^۱ نباشد، به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه و یا پنجاه‌هزار ریال تا یک‌میلیون ریال جزای نقدی خواهد بود.

با توجه به عبارت «از قبیل» این ماده حصری نبوده و دامنه توهین محدود به فحاشی و استعمال الفاظ رکیک نیست. توهین می‌تواند به وسیله گفتار، رفتار و یا نوشتار محقق شود و یا حتی به‌وسیله تصویر باشد. از نظر مقررات کیفری اهانت و توهین عبارت است از به‌کار بردن الفاظی که صریح یا ظاهر^۲ باشد و یا ارتکاب اعمال و انجام حرکاتی که به لحاظ عرفیات جامعه و با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی و موقعیت اشخاص موجب تخفیف و تحقیر آنان شود.^۳

بدون شک یکی از مهم‌ترین نشانه‌های ضعف اخلاقی در یک فرد بدزبانی و توهین به دیگران است. در تمام نظام‌های اخلاقی دینی و غیردینی فحاشی کردن، تحقیر کردن و نسبت ناروا دادن به دیگران عملی غیر اخلاقی و نکوهیده است. در روایات اسلامی نیز از توهین نهی شده تا آن‌جا که حتی شنیدن آن و بی‌تفاوت بودن نسبت به آن نیز نکوهش شده است. به‌عنوان مثال امام باقر علیه السلام فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ الْفَاحِشَ الْمُتَفَحِّشَ»؛ همانا خداوند هر فحش‌دهنده فحش‌شنونده را دشمن می‌دارد.

متأسفانه این عمل غیراخلاقی در شبکه‌های اجتماعی به معضلی فراگیر و شایع تبدیل شده است. کاربران به هر بهانه‌ای در پست‌های خود به دیگران بی‌احترامی کرده و حتی از دشنام‌های رکیک استفاده می‌کنند. این معضل فقط اختصاص به کاربران ایرانی ندارد و گستردگی آن باعث شده است تا اکثر شبکه‌های اجتماعی

^۱ در اصطلاح فقهی متهم ساختن فردی به جرم زنا و لواط است.

^۲ مراد از «صریح» یا «نص» گفتار یا رفتاری است که احتمال برداشت خلاف در آن نرود و «ظاهر» آن است که احتمال خلاف در آن می‌رود، اما عرف عقلاً به آن احتمال اعتنایی نمی‌کند، مانند این که به کسی بگویند «نماز خواندن بر تو واجب است» و یا بگویند «نماز بخوان» که اولی صراحت و دومی ظهور در وجوب نماز دارد.

^۳ محشای قانون مجازات اسلامی، انتشارات مجد

^۴ الکافی، ج ۲، ص ۳۲۴، ح ۴

قابلیت فیلتر کردن الفاظ رکیک را در قسمت نظرات ایجاد کنند تا شاید حداقل جلوی پدیدار شدن این عمل غیر اخلاقی گرفته شود. گذشته از مؤثر واقع بودن یا نبودن این اقدامات، آن چه مهم و قابل تأمل است، سرزدن این قبیل اقدامات از سوی افرادی است که تحت تعالیم نظام اخلاقی اسلام و فرهنگ ایرانی می‌باشند. توهین کردن به دیگران می‌تواند دلایل گوناگونی داشته باشد که در جای خود قابل بررسی است، اما ضعف اخلاق شاید اصلی‌ترین دلیل مبادرت به این عمل می‌باشد. آن چه در این خصوص باعث نگرانی است، اثرات سوء خسونت‌های کلامی از جمله توهین بر جامعه و نسل جوان است. شکستن قبح الفاظ رکیک و تبدیل کردن آن به امری رایج و پیش پا افتاده با دلایلی مانند نشانه رفاقت و صمیمیت بودن و یا ابراز علاقه و محبت کردن و نیز وجاهت بخشیدن به آن با این دلیل که عده‌ای از افراد سزاوار توهین و تحقیر هستند، از جمله دلایل رایجی است که امروزه در گفتگوهای کاربران فضای مجازی به خصوص در گروه‌ها و نیز پست‌های افراد در مقابل اعتراض دیگران مطرح می‌شود؛ در حالی که برخی از این دلایل مانند شایستگی عده‌ای برای تحقیر و توهین خود به تنهایی غیر اخلاقی هستند و برخی نیز که به خودی خود یک همل اخلاقی به حساب می‌آیند، مانند ابراز محبت نمی‌توانند برای توجیه یک عمل غیر اخلاقی به کار روند.

تهدید

به موجب ماده ۶۶۹ از قانون اخیرالذکر هرگاه کسی دیگری را به هر نحو تهدید به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی و یا به افشای سری نسبت به خود یا بستگان او نماید، اعم از این که به این واسطه تقاضای وجه یا مال یا تقاضای انجام امر یا ترک فعلی را نموده یا ننموده باشد، به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه یا زندان از دو ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

از جمله اعمال خسونت‌آمیز و غیر اخلاقی که در بستر فضای مجازی رایج است، تهدید برای رسیدن به خواسته‌های خود می‌باشد. مصادیق ذکر شده از سوی قانون‌گذار در متن قانون به نظر کامل می‌رسد و انواع تهدید را شامل می‌شود. تهدید ابزاری برای وارد آوردن فشار به شخص مورد نظر برای انجام یا عدم انجام کاری است. تهدیدکنندگان در فضای مجازی عموماً در شبکه‌های اجتماعی دارای حساب‌های کاربری مختلف و یا گروهی متشکل از چندین حساب کاربری هستند که از این طریق می‌توانند هجمه و فشار زیادی را برای دست یابی به خواسته‌های خود علیه شخص یا اشخاص مورد نظر اعمال کنند. از جمله موارد رایجی که در کنار تهدید عموماً در رفتار این افراد قابل مشاهده است، جمع‌آوری اسرار شخصی فرد مورد نظر و تهدید به افشای آن در فضای مجازی در صورت برآورده نشدن خواسته‌های تهدیدکننده است. گاهی نیز در محتوای این اطلاعات تغییر و تحریف صورت می‌پذیرد. قانون‌گذار به این موارد توجه کرده است. به عنوان نمونه قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌کنند، در ماده ۵ اظهار می‌دارد:

مرتکبان جرائم زیر به دو تا پنج سال حبس و ده سال محرومیت از حقوق اجتماعی و هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم می‌شوند:

الف- وسیله تهدید قراردادادن آثار مستهجن به منظور سوء استفاده جنسی، اخاذی، جلوگیری از احقاق حق یا هر منظور نامشروع و غیرقانونی دیگر

قانون تعزیرات در بخش جرایم رایانه‌ای نیز بیان می‌کند:

ماده ۷۴۴- هرکس به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی، فیلم یا صوت یا تصویر دیگری را تغییر دهد یا تحریف کند و آن را منتشر یا با علم به تغییر یا تحریف منتشر کند، به نحوی که عرفاً موجب هتک حیثیت او شود، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

تبصره - چنانچه تغییر یا تحریف به صورت مستهجن باشد، مرتکب به حداکثر هر دو مجازات مقرر محکوم خواهد شد.

ماده ۷۴۵- هر کس به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی صوت یا تصویر یا فیلم خصوصی یا خانوادگی یا اسرار دیگری را بدون رضایت او جز در موارد قانونی منتشر کند یا دسترس دیگران قرار دهد، به نحوی که منجر به ضرر یا عرفاً موجب هتک حیثیت او شود، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

در این گونه موارد چند عمل غیراخلاقی و غیرشرعی مقارن یکدیگر رخ می‌دهد: نخست آن که تفحص و سرکشی به زندگی دیگران عملی غیر اخلاقی بوده و دارای حرمت شرعی است. دومین مسئله نقض حریم خصوصی افراد است. حریم خصوصی قلمرویی از زندگی هر شخص است که آن شخص عرفاً یا با اعلان قبلی در چارچوب قانون انتظار دارد تا دیگران بدون رضایت وی به آن وارد نشوند. همچنین این اقدام با اصل «اخلاق‌گرایی قانونی از نوع معتدل» نیز در تعارض است. مطابق با این اصل دولت به اعمالی واکنش نشان می‌دهد که رفتار شخص به طور مستقیم یا غیر مستقیم موجب شرور اخلاقی احتمالی شود. این اصل در خصوص اکثر رفتارهای خشونت‌آمیز غیراخلاقی صادق است.^۱

^۱ در کنار این اصل دو اصل دیگر نیز مطرح است که از اصول اقتدار دولتی و محدودکننده آزادی به شمار می‌آید: یکی اصل «اخلاق‌گرایی قانونی از نوع شدید» که بر اساس آن عمل ذاتاً غیراخلاقی حتی اگر موجب ضرر به خود یا دیگران نشود، مبنای مداخله دولت است و دیگری اصل «پدرسالاری قانونی اخلاق‌گرا» که بر اساس آن عملی موجب مداخله دولت است که به خود مرتکب زیان اخلاقی برساند. برای مطالعه بیشتر در این خصوص رک: حریم خصوصی اطلاعات.

مورد سوم اذیت کردن دیگری با تهدید به هتک آبروی او می‌باشد؛ ولو این هتک واقعا صورت نگیرد که اگر صورت پذیرد، عمل اخلاقی دیگری نیز به این مجموعه اضافه خواهد شد.

نفرت‌پراکنی و تحقیر جنسیتی

یکی از مهم‌ترین بداخلاقی‌های خشونت‌آمیز که به شدت در فضای مجازی چالش‌برانگیز است، تحقیرهای جنسیتی و نفرت‌پراکنی است. نگاه‌های پوسیده و اندیشه‌های قبیله‌ای که ریشه در عصر زندگی جاهلانه و بدون علم و دین نوع بشر دارد، در لباسی جدید و با ابزاری نوین دوباره در قرن بیست و یکم بازگشته و سبب بروز اختلال در دستگاه اخلاقی و نهادهای ارزشی جوامع شده است. اساسا تحقیر انسان‌ها بر اساس جنسیت و قومیت از آن دسته مسائلی است که در عصر جهانی شدن باید مدت‌ها از منسوخ شدن آن گذشته باشد؛ اما در عمل این‌گونه نیست. همچنان انسان‌هایی هستند که جنسیت یا نژاد خود را برتر دانسته و با نگاهی از بالا به پایین دیگران را تحقیر و بعضا رفتارهای خشونت‌آمیزی با آنان انجام می‌دهند. همین امر سبب به وجود آمدن جرمی تحت عنوان «نفرت»^۱ شده است. حمایت‌های نژادی مانند پان‌ترکیسم و پان‌عربیسم از جمله این موارد است که فضای مجازی در اشاعه آن تأثیر زیادی داشته است. شیوع دیدگاه‌های فمینیستی حتی در بین زنان مسلمان را شاید بتوان در همین راستا تبیین و علت‌یابی کرد.

جرم ناشی از نفرت مفهومی اجتماعی است که در اوایل دهه ۹۰ میلادی به کار برده شد و اکنون مصادیق فراوانی در کشورهای مختلف یافته است. این مفهوم آن دسته از جرایمی را شامل می‌شود که بر اساس نفرت موجود نسبت به دسته‌ای از افراد جامعه بنا بر اختلاف ایدئولوژیک یا طبیعی با قربانی از سوی مجرم رخ می‌دهد. اهم مواردی که این جرم را در فضای مجازی افزایش داده است، می‌توان عقاید، نژاد، تمایلات جنسی، سن و معلولیت دانست.^۲

در این خصوص می‌توان به مثال‌های متعددی در شبکه‌های اجتماعی اشاره کرد که بسیاری از کاربران حداقل با یک مورد از آن برخورد داشته‌اند. یکی از موارد شایع آن تحقیر بانوان به دلیل ویژگی‌های فیزیولوژیک آنان است. شاید اکثر کاربران به دیده شوخی به این قبیل گفتارها و رفتارها نگریسته و به عمق عمل اتفاق افتاده پی نبرند؛ اما آن‌چه در واقعیت اتفاق می‌افتد سرخوردگی زنان است که نتیجه آن ایجاد یک شکاف عمیق میان زن و مرد و آسیب رسیدن به بسیاری از ساختارهای مشارکتی جامعه است. پیامدهای مخرب این عمل ممکن است منشأ بسیاری از رفتارهای غیر اخلاقی دیگر و حتی ارتکاب جرم باشد. یکی از دلایل افزایش آمار خشونت علیه مردان توسط زنان همین هجمه‌ها و فشارهای روحی و روانی است که در سطح جامعه و به مراتب بیشتر در شبکه‌های اجتماعی علیه بانوان ایجاد می‌شود. آمارهای پزشکی قانونی نشان می‌دهد در سال ۹۵ حدود ۳۰۰۰ مرد به این سازمان برای اعلام خشونت توسط همسران خود مراجعه کرده بودند که اکنون این تعداد به

^۱ Hate

^۲ جرایم ناشی از نفرت مذهبی، مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی

حدود ۵۰۰۰ نفر رسیده است. تا سال ۹۵ تنها ۵ درصد از مدعیان همسرآزاری را مردان تشکیل می‌دادند که اکنون این عدد به رقم ۷ افزایش یافته است.^۱ کارشناسان ضمن هشدار نسبت به افزایش روند مردآزاری در سال‌های اخیر از پرخاشگری و خشونت زنان نسبت به مردان خبر داده و معتقدند تعداد مردانی که قربانی خشونت از سوی همسران خود می‌شوند، بیشتر از آمارهای اعلام شده است؛ چراکه بسیاری از مردان از ترس این که مورد مضحکه دیگران قرار نگیرند، حاضر نیستند شکایات خود را به پزشکی قانونی اعلام کنند. دولت باید از فضای مجازی برای گرفتن آمارهای دقیق‌تر در این زمینه استفاده کند. بستر هویت‌زدایی و گمنامی که فضای مجازی پدید می‌آورد، فرصتی است تا کسانی که از ترس شناخته شدن و مورد تمسخر قرار گرفتن از اعلام همسرآزاری خودداری می‌کنند، بتوانند مشکلات خود را در این زمینه بیان نمایند.

فضای مجازی با قابلیت ایجاد جو در بحث‌های شوخی و جدی زمینه‌ای بسیار مهم برای ترویج خشونت‌های کلامی مردان علیه زنان به وجود آورده است.

۲-۲- خشونت‌های با واسطه فضای مجازی

این خشونت‌ها یا صرفاً در فضای مجازی مطرح می‌شوند به گونه‌ای که بدون آن، موضوعیتی ندارند و یا آن‌قدر فضای مجازی در گسترش و دامن زدن به آن‌ها تأثیر داشته است که می‌توان گفت اگر این فضا نبود، این خشونت‌ها هرگز آن هم با این سطح در جامعه مطرح نمی‌شد.

حمله به صفحه شخصیت‌های مشهور

یکی از اصلی‌ترین نمودهای کنش خشونت‌آمیز ناشی از بی‌اخلاقی حمله در قسمت نظرات صفحه شخصیت‌های مشهور در شبکه‌های مجازی می‌باشد. متأسفانه این امر به قدری رایج و متداول شده است که در سطح بین‌المللی در شبکه‌های اجتماعی، کاربران ایرانی با این عمل غیراخلاقی شناخته شده‌اند.^۲ از آن‌جا که این نوع از خشونت از آن دسته از خشونت‌هایی است که مختص شبکه‌های اجتماعی می‌باشد و ارتباط مستقیمی با اخلاق و ارزش‌های اخلاقی دارد، بسیار برای سایست‌گذاران فضای مجازی باید قابل تأمل باشد. آثار و پیامدهای این قبیل رفتارهای خلاف اخلاق نه تنها در سطح جامعه و میان خود کاربران ایرانی سبب ترویج خشونت‌های کلامی شده است، بلکه در سطح بین‌الملل نیز باعث تخریب هویت و فرهنگ اسلامی-ایرانی می‌شود. مثال‌های زیادی در چند سال اخیر برای این نوع رفتار غیر اخلاقی وجود دارد که تعدادی از آن‌ها حواشی بسیاری نیز ایجاد کرده است. شبکه اجتماعی اینستاگرام و پس از آن فیسبوک بزرگ‌ترین مجال برای توهین کاربران ایرانی

^۱ ۵ هزار مرد پارسال از زنان‌شان کتک خوردند، خبرآنلاین

^۲ «خشونت کلامی» در فضای مجازی؛ مطالعه موردی اظهارنظرهای دنبال‌کنندگان در صفحات اینستاگرام هنرمندان ایرانی، مطالعات رسانه‌های نوین

به دیگران بوده است. به عنوان مثال چند مورد ذیل از جمله صفحاتی است که مورد حمله کاربران ایرانی قرار گرفته است:

- امینم خواننده مشهور آمریکایی
- داور بازی ایران و مراکش در جام جهانی فوتبال ۲۰۱۶
- ایوان زایتسوف بازیکن تیم والیبال ایتالیا
- مالیا اوباما دختر باراک اوباما رئیس جمهور سابق آمریکا که با واکنش او نیز همراه بود
- شکیرا خواننده و همسر جرارد پیکه فوتبالیست اسپانیایی
- لیونل مسی بازیکن تیم ملی فوتبال آرژانتین پس از گلزنی او به تیم ملی ایران در جام جهانی فوتبال ۲۰۱۲؛ در مجموع در مقاطع مختلف حملاتی از سوی کاربران ایرانی به صفحه او صورت می‌گیرد.
- رونالدو فوتبالیست پرتغالی پس از قرعه‌کشی جام جهانی ۲۰۱۶
- سرگیو راموس به دلیل مصدوم کردن محمد صلاح بازیکن مسلمان تیم فوتبال لیورپول انگلیس در فینال لیگ قهرمانان اروپا

این حملات به جز اولین حمله به مسی که در فیسبوک بود، در اینستاگرام انجام گرفته است. در زمان حمله به مسی اینستاگرام چندان مطرح نبود.

در بعضی از مواقع نیز کاربران ایرانی به اشتباه به صفحه شخصی دیگر به دلیل تشابه اسمی حمله کرده و یا اگر شخص مورد نظر در شبکه‌های اجتماعی دارای حساب کاربری نباشد، آماج حملات را به سمت نزدیکان و خانواده فرد می‌برند. از مهم‌ترین مثال‌ها می‌توان به حمله کاربران ایرانی به صفحه کایل واکر مدافع باشگاه منچستر سیتی انگلیس به دلیل درگیری با علیرضا جهانبخش در جریان بازی اشاره کرد. اما آنچه باعث تاسف و قابل تأمل بوده آن است که کاربران ایرانی ابتدا فردی با همین نام را به اشتباه مورد فحاشی قرار داده‌اند و او بعد از افزایش تعداد کامنت‌ها و فحاشی‌ها متوجه اصل ماجرا شده و آدرس صفحه فوتبالیست مورد نظر کاربران ایرانی را به اشتراک می‌گذارد تا از این حملات خلاص شود. در اقدام مشابهی سوگورو اوساکا دونده دوی مارتن ژاپنی به علت تشابه اسمی با بازیکن فوتبال تیم ملی این کشور نیز مورد حمله ایرانیان قرار گرفت.

اما یکی از جدی‌ترین و حاشیه‌سازترین این اتفاقات اخیر حمله به بنیامین ویلیامز داور استرالیایی بازی فوتبال ایران و عراق بود. او خود در این باره بیان می‌کند: خوشبختانه من هیچگاه در شبکه‌های اجتماعی فعالیتی نداشته‌ام. هواداران ایرانی عصبانی شده بودند و به صفحه فیسبوک یک شخص دیگر که بن ویلیامز نام داشت، حمله کرده بودند. من هیچ‌کدام از نظرات را نخواندم ولی همسر من این کار را کرد. او دیده بود که ما و فرزندانمان تهدید به مرگ شده‌ایم!^۱

^۱ خاطرات تلخ بنجامین ویلیامز داور جنجالی ایران - عراق، پایگاه ورزش ۳

همان‌طور که مشاهده می‌شود در چنین مواردی سطح خشونت از توهین و به تهدید علیه تمامیت جسمانی فرد مورد حمله و اطرافیان او نیز می‌رسد! این سطح از اقدامات خشونت‌آمیز انفجاری بیانگر ضعف شدید اخلاقی و رنگ باختن ارزش‌ها در نظر کاربران ایرانی شبکه‌های اجتماعی است. با توجه به این که چنین حملات خشونت‌باری در گذشته و قبل از فراگیر شدن فضای مجازی نبود، به‌خوبی نقش این فضا در افزایش چنین خشونت‌هایی دیده می‌شود. یکی از علل این مسئله گمنام بودن حمله‌کننده و بی‌هزینه بودن چنین حملاتی است. طبیعتاً اگر اولاً شناسایی کاربر فضای مجازی به‌سادگی قابل انجام بود و ثانیاً مجازات سنگینی در مورد او اعمال می‌شد، می‌توانستیم شاهد کمتر شدن چنین حملاتی باشیم. این از مواردی است که حقوق‌ضامن اجرای دستورات اخلاقی است و آن زمانی است که نیروی بازدارنده فرد که به تعبیر روایت امام صادق علیه السلام «وَاعِظْ مَنْ قَلْبِهِ وَ زَاجِرْ مَنْ نَفْسِهِ»؛ پنددهنده‌ای از درون قلبش و بازدارنده‌ای از درون نفسش» است، در قدرت بازدارندگی می‌ایستد. در چنین مواردی اخلاق به‌طور کل جایگاه خود را از دست داده و حتی اصولی مانند احترام و انسانیت که دارای بدهت ذاتی برای هر فردی می‌باشد نیز اثری نخواهد داشت. این اتفاقات همگی زنگ خطری هستند که مدت‌ها است به صدا درآمده‌اند. در کنار مسئله حقوق‌متولیان اجرایی امور و نهادهای تربیتی نیز از جمله کسانی هستند که باید متوجه این خطرات بالقوه و بالفعل بوده و به فکر چاره‌اندیشی برای کنترل و مقابله با این اقدامات برآیند. چرا که این رفتارها بیانگر نقص در دستگاه اخلاقی و عدم کارکرد صحیح نظام ارزشی حاکم بر جامعه است.

خطرناک‌تر این است که کاربران فضای مجازی نه تنها به قبح اعمال خود اعتراف ندارند، بلکه آن‌چه از ظاهر امر پیداست این است که این قبیل اقدامات تبدیل به سرگرمی برای بسیاری از آن‌ها شده است؛ چنان‌که زایتسف والیبالیست پس از حمله کاربران ایرانی گفته بود: «متأسفم که بزرگترین تفریح ایرانیان توهین به دیگران است». آثار زیان‌بار این سرگرمی تنها در سطح شبکه‌های اجتماعی باقی نخواهد ماند، بلکه در سطح جامعه نیز خود را نشان خواهد داد. داور استرالیایی بازی ایران و عراق پس از حملات اینترنتی و تهدید او و خانواده‌اش در فضای مجازی به مرگ گفته بود: «همسرم دیگر از این که شب‌ها در خانه بماند، احساس امنیت نمی‌کرد. پلیس فدرال استرالیا داورها را تا پایان رقابت‌ها به دقت زیر نظر داشت. افسری که مراقب ما بود به ما گفت که در امان هستیم؛ ولی از نظر من مرزها شکسته شده بود».

دسته‌ای دیگر از کاربران نیز هستند که صرفاً مشاهده‌گر این قبیل رفتارها هستند و اگرچه خود شخصا اقدام به انجام چنین اعمالی نمی‌کنند، اما انجام آن را نیز نهی نمی‌کنند. این گروه خاکستری و خنثی ضمن این که با سکوت خود نوعی مهر تأیید بر انجام این اعمال غیراخلاقی می‌زنند، قابلیت پیوستن به کاربرانی که این رفتارها برایشان عادی شده است را نیز دارا هستند و در صورت ضعف آموزش‌های اخلاقی و تربیتی در

موقعیت و بستری مناسب و پس از تحریک شدی احساسات، کاملاً محتمل است که دست به انجام چنین رفتارهایی بزنند.

حیوان‌آزاری

حیوان‌آزاری - که این روزها به شدت در شبکه‌های اجتماعی مشاهده می‌شود- به معنای آزار رساندن به حیوانات از روی خوشی و یا برای کسب لذت است. این اصطلاح گویا نخستین بار توسط یک روان‌شناس آلمانی به نام ارنست بورمن^۱ رایج شده است که منشأ آن را رفتار فرد برای کسب لذت معرفی می‌کند. در واقع از نظر علم روان‌شناسی نوعی رفتار مخرب و انحراف در سوء استفاده از جانوران بوده است که موجب آزرده شدن حیوان و ارضای فرد آزاررسان می‌شود.^۲

اشتراک‌گذاری تصاویر دلخراش از آزار رساندن به حیوانات تا کشتن آن‌ها به قصد لذت مصادیقی از این رفتار ضد اخلاقی و خشونت‌آمیز است. گذشته از آن که این قبیل رفتارها و نشر و باز نشر تصاویر این اعمال به خودی خود غیر اخلاقی و غیر شرعی است، هشداری به اعضای آسیب‌پذیر جامعه می‌باشد که در معرض خطر قرار دارند. هنگامی که ارزش‌های اخلاقی توانایی بازدارندگی این افراد را از آزار رساندن به حیوانات به دلیل انقلاب ساختار انسانی در آنان ندارد، هشداردهنده این نکته است که خشونت‌های نهفته در وجود این دسته از افراد خشن قابلیت انجام اعمالی به مراتب شدیدتر و خشن‌تر حتی علیه انسان‌ها را نیز می‌تواند داشته باشند. به عبارتی حیوان‌آزاری را باید بعد از خشونت‌های کلامی مرحله پیشرفته‌تر خشونت در نظر گرفت و چنان‌چه اخلاق و نهادهای ارزشی و دستگاه‌های نظارتی این افراد را مهار نکنند، با توجه به ضعف اخلاقی، امکان انجام جرایمی همانند کودک‌آزاری، سالمندآزاری^۳، ضرب و جرح و حتی قتل نفس در عموم آن‌ها وجود دارد. یکی از خصوصیات اساسی فضای مجازی که سبب اقدام به چنین خشونت‌هایی می‌شود آن است که این فضای یک جهان بزرگ با چند میلیارد کاربر فعال و کنجکاو است که بالاخره در بین آن‌ها افرادی یافت می‌شود که پست‌های کاربر را هر قدر هم که همراه با بی‌اخلاقی باشد، بخواند و آن را پسند کند.

دعوت به مبارزه و رجزخوانی

یکی از مصادیق رفتار خشونت‌آمیز در فضای مجازی، مبارزه‌طلبی و رجزخوانی افراد شرور برای یکدیگر است. این مصداق نه تنها موجب التهاب محیط و درگیری‌های لفظی در بستر شبکه‌های مجازی می‌شود، بلکه عموماً به محیط واقعی و بستر جامعه نیز سرایت می‌کند. در این خصوص مثال‌های متعددی می‌توان مطرح کرد که متأسفانه عموماً نیز منجر به قتل شده است، اتفاقاتی که اگر به دنبال نقطه آغاز آن‌ها بگردیم، خواهیم

^۱ Ernest Bornemann

^۲ تحلیل پدیده حیوان‌آزاری در فقه امامیه و حقوق ایران، تحقیقات حقوقی

^۳ به نقل از رئیس اورژانس اجتماعی کشور در حال حاضر سالمندآزاری بعد از کودک‌آزاری و همسرآزاری رتبه سوم خشونت‌های خانگی در کشور را دارد. (سالمند آزاری رتبه سوم خشونت‌های خانگی در ایران، پایگاه خبری ساعت ۲۴)

دید که عموماً یک بی‌اخلاقی کلامی و یا خرده‌فرهنگ‌های حاکم بر گروه‌های شرورانه - که سعه صدر و گذشت را مایه خجالت‌زدگی و شرمساری و بر خلاف ارزش‌های حاکم بر گروه خود می‌دانند - باعث وقوع اتفاقات غیر قابل جبرانی شده است.

یکی از مثال‌های معروف که تا مدتی نیز در شبکه‌های اجتماعی بحث بر سر آن بالا گرفته بود، رجزخوانی‌های دو تن از شروران با یکدیگر بود. این اتفاق از توهین‌ها و تهدیدهای جانی و به اصطلاح قرار دعوا گذاشتن شروع شد و دامنه آن در میان صفحات هوادار این دو فرد نیز به شدت افزایش پیدا کرد تا آن که به دلیل اتفاقاتی یکی از آن دو دستگیر و راهی زندان شد و همان‌جا در یک درگیری به قتل رسید. نکته قابل تأمل آن که در همان لحظه از داخل زندان فیلم به قتل رساندن نام‌برده با نمایش آلت قتل و فحاشی‌های رکیک در شبکه‌های اجتماعی بارگذاری شد.

کودک‌آزاری

به وضعیتی که یک شیرخوار یا کودک توسط والدین یا پرستار خود و یا هر فرد دیگری به صورت مکرر مورد آزار و اذیت قرار گیرد، «کودک‌آزاری» یا «سندرم کودک‌آزاری» اطلاق می‌شود. کودک‌آزاری اکثراً در سنین پایین رخ می‌دهد به طوری که بیش از دو سوم قربانیان زیر ۳ سال می‌باشند. این سندرم شامل آسیب‌های روانی، جسمی و جنسی است. البته بسته به فرهنگ و دوره‌های زمانی مختلف ممکن است به برخی رفتارهای این‌چنینی کودک‌آزاری اطلاق نشود، اما رفتاری که به هر نیت و در هر جامعه‌ای منجر به آسیب فیزیکی جدی شود، در شمول کودک‌آزاری قرار می‌گیرد. آزار و اذیت کودک ممکن است از طریق زدن با دست، تکان دادن، پرت کردن، به زمین زدن و به صورت غیر شایع‌تر با سوزاندن یا خفه کردن کودک اتفاق افتد.^۱ دیده شدن توسط دیگران و نیز به اصطلاح زهر چشم گرفتن از مواردی است که منجر به انتشار تصاویر و کلیپ‌های کودک‌آزاری در فضای مجازی می‌شود.^۲

در ادامه به برخی موارد مطرح آن در فضای مجازی اشاره می‌شود:

کودک‌آزاری در مرندها

انتشار تصاویر دلخراش از آزار بدنی و کتک زدن یک دختر بچه ۳ ساله در یکی از روستاهای مرندها در شبکه‌های اجتماعی یکی از معروف‌ترین مصادیق پخش تصاویر تأسفبار کودک‌آزاری در شبکه‌های اجتماعی است که از توضیح جزئیات آن خودداری می‌کنیم. پیامد غیر انسانی‌تر این بود که برخی پان‌ترک‌ها از اقتدار ترک‌ها در انجام چنین عملی - که حتی حیوانات نیز با بچه‌های خود انجام نمی‌دهند - ابراز خرسندی کردند و برای فارس‌ها خط و نشان کشیدند. تحلیل‌گران یکی از دلایل این مسئله را همین رجز خواندن و ارباب فارس‌ها

^۱ پزشکی قانونی، مرکز تحقیقات پزشکی قانونی کشور

^۲ برای مطالعه بیشتر درباره کودک‌آزاری از منظر اخلاق رک: تحلیل یک مورد کودک‌آزاری با رویکرد اخلاقی، اخلاق پزشکی

دانسته‌اند و حتی برخی، رخ دادن خود این واقعه را نیز در همین راستا ارزیابی کرده‌اند؛ چنان‌که داعش برای ترساندن دشمنان خود قتل‌های خشونت‌بار خود را به معرض نمایش می‌گذاشت.^۱

کودک‌آزاری در مهدکودکی در اردبیل

در این کودک‌آزاری یکی از خدمه مهدکودک به اجبار به کودک غذا می‌دهد که پس از امتناع کودک این خدمه اقدام به آزار وی می‌کند. با انتشار این قبیل فیلم‌ها که به سرعت نیز در شبکه‌های اجتماعی پخش شده است، موجی از نگرانی در بین خانواده‌ها ایجاد شده و نارضایتی‌هایی را در جامعه پدید آورده است. این حوادث علاوه بر آسیب‌های روحی و روانی برای کودکان و نیز خانواده‌های آنان بازتاب منفی گسترده‌ای را نیز در پی دارد؛ چرا که وقوع این حوادث در محیط‌های امنی همانند مهدکودک و مدرسه اعتماد عمومی را نسبت به این مراکز تحت الشعاع قرار می‌دهد.^۲

خودزنی

خودزنی آسیب رساندن عمدی به بدن یا بخشی از بدن بدون قصد مردن یا اقدام به خودکشی است. این کار روشی است برای بیان هیجان‌های منفی و دردناکی که از طریق کلمات قابل بیان نیستند.^۳ خودزنی دلایل گوناگونی می‌تواند داشته باشد. بخشی از خودزنی‌ها زمینه‌های روحی- روانی داشته و حتی می‌تواند مقدمه‌ای بر مبادرت به خودکشی باشد؛ اما دسته دیگری از خودزنی‌ها از سوی اعضای گروه‌های خشونت‌آمیز صورت می‌گیرد. به دلایلی نظیر قدرت‌نمایی، نشان دادن سطح خطرناکی و پرخاشگری و همچنین ارزش بودن داشتن زخم‌های متعدد بر روی بدن.

یکی از انواع خودزنی که در شبکه‌های مجازی به شدت ترویج شده و گسترش یافته است، به «خودزنی اجتماعی» معروف است. از مثال‌های معروف این نوع خودزنی می‌توان به خالکوبی و سوراخ کردن گوش توسط مردان اشاره کرد. این نوع خاص از خودزنی سطح خشونت کمتری نسبت به سایر روش‌های خودزنی دارد و دلایل آن نیز متفاوت است؛ اما به هر حال از نظر اخلاقی تأثیرات منفی خصوصاً بر روی نسل جوان که اکثر کاربران شبکه‌های مجازی را تشکیل می‌دهند، دارد. خالکوبی در هر حال و به هر دلیل عملی خشونت‌بار و غیراخلاقی محسوب می‌شود.

تعداد افرادی که اقدام به خالکوبی و نمایش تصاویر آن می‌کنند، روزبه‌روز در شبکه‌های اجتماعی بیشتر می‌شود. این گسترش در فضای مجازی تأثیرات خود بر روی فضای حقیقی را کم‌کم به بار آورده و اکنون شاهد تبلیغ گسترده مراکز غیر مجازی که اقدام به این عمل می‌کنند نیز هستیم. در این میان نقش سلبریتی‌های فضای مجازی نیز بسیار مؤثر است. آنان نیز هر روز اقدام به رونمایی از تتوهای خود کرده و در این میان دیگر

^۱ پشت‌پرده کلیپ زجرآور آزار دختر مرندی چیست؟، خبرآنلاین

^۲ جزئیات کودک‌آزاری در مهدکودک اردبیل، خبرگزاری مهر

^۳ خودزنی فریادی برای کمک، اصلاح و تربیت

فرقی بین یک ورزشکار یا خواننده یا بازیگر سینما نیست. در هر صنفی از سلبریتی‌ها می‌توان تعداد از کسانی را مشاهده کرد که دارای خالکوبی‌های منظم و به صورت نقاشی شده هستند.

خودکشی

برخی گمان می‌کنند که خودکشی به دلیل وحدت قاتل و مقتول چندان غیراخلاقی نیست. در حالی که هم در فرهنگ دینی و هم در مکاتب اخلاقی خودکشی به هر حال یک آدم‌کشی حساب شده و مذموم است؛^۱ هرچند در قانون جرم‌انگاری نشده است.

اما منشأ خودکشی آن است که همه افراد از لحاظ قدرت روحی و مقاومت در برابر فشارهای زندگی توانایی یکسانی ندارند. بعضی افراد به دلیل برخی مشکلات روحی و یا در پی اتفاقات خاصی در زندگی دچار آسیب پذیری و شکنندگی روحی می‌شوند. از منظر اخلاق، فردی که اقدام به خودکشی می‌کند، دچار آسیب و حتی فروپاشی ارزش‌های اخلاقی و اعتقادات دینی شده است.

توصیه روان‌شناسان در خصوص این افراد قرار گرفتن تحت مشاوره و حضور در محیط‌های شاد برای گذار از دوران آسیب‌دیدگی روحی و بازسازی وضعیت روانی است. البته طبیعی است که هیچ عاملی به اندازه ایمان در فرد برای بازداري از چنین مسئله‌ای مؤثر نیست.

به راحتی نمی‌توان در خصوص افرادی که مبادرت به این اقدام می‌کنند، قضاوت کرد؛ اما خودکشی در فضای مجازی را از دو بعد متناسب با موضوع گزارش می‌توان بررسی کرد:

بعد اول

عده‌ای از افراد در شبکه‌های اجتماعی به دلایل گوناگون اقدام به ایجاد صفحه‌هایی می‌کنند که در آن محتوایی با مضامین ناامیدی از آینده و عدم بهبود وضعیت فردی و اجتماعی کاربران، تحریک افرادی که دچار شکست‌های عاطفی و عشقی شده‌اند، تحریک افرادی که عزیزی از دست داده‌اند و یا مطرح کردن مطالبی با عناوین پوچی زندگی و بی‌معنی بودن ادامه دادن به آن، افرادی را که مستعد به خودکشی هستند، تحریک به انجام این عمل می‌کنند. برخی از این صفحات حتی پس از بیان مطالب مذکور صراحتاً فرد را ترغیب به خودکشی و آن را راه‌حل نهایی مشکلات افراد معرفی می‌کنند. برخی حتی پا را از این نیز فراتر گذاشته و روش‌های خودکشی را نیز توضیح و تعلیم می‌دهند. افرادی که مبادرت به احداث این چنین صفحات و گروه‌هایی در شبکه‌های اجتماعی می‌کنند، در بهترین حالت افرادی هستند که اختلالات روحی و روانی دارند؛ اما عده‌ای به صورت هدفمند مبادرت به چنین اقداماتی می‌کنند (مانند طراح بازی نهنگ آبی^۲). این طیف از افراد خشن در پس اعمال خشونت‌آمیز خود و نقض قواعد اخلاقی حاکم بر جامعه دارای انگیزه‌های متمایزی با سایر افراد خشن هستند. اینان با عدم باور و پایبندی به نظام

^۱ خودکشی، ماهنامه قضایی

^۲ Blue Whale Challenge

ارزشی و اخلاقی حاکم بر اجتماع، اعتراضات، مخالفت‌ها و عقده‌های خود را در قالب رفتارهای خسونت‌آمیز نمایان می‌کنند. در خصوص این افراد توجه به اغراض سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برای علت‌یابی چنین رفتاری بسیار مهم است؛ زیرا رفتارهای آن‌ها به مرور زمان منجر به شکل‌گیری یک الگوی رفتاری ضد اخلاق و خشن شده و موجب آسیب به فضای مجازی و حقیقی در جامعه می‌شود؛ به‌خصوص توسط کسانی که اکنون دیگر به اصطلاح تبدیل به شاخ‌های مجازی شده‌اند.

نکته مهم و قابل تأمل آن است که گرچه خودکشی جرم نیست، به تبع آن معاونت و مشارکت در خودکشی نیز جرم نیست^۱؛ اما قانون‌گذار در ماده ۱۵ از قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ دعوت به آن را جرم دانسته و مقرر می‌دارد:

هرکس از طریق سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده، افراد را به ارتکاب جرایم منافی عفت یا استعمال مواد مخدر یا روان‌گردان، خودکشی یا انحرافات جنسی یا اعمال خسونت‌آمیز، تحریک یا ترغیب یا تهدید یا دعوت کرده یا فریب دهد یا شیوه‌ی ارتکاب یا استعمال آن‌ها را تسهیل کند یا آموزش دهد، به حبس از ۹۱ روز تا ۱ سال یا جزای نقدی از ۵ میلیون ریال تا ۲۰ میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم می‌شود.

بعد دوم

افرادی هستند که با توجه به توضیحات مطرح شده در ابتدای این بخش درصدد انجام خودکشی هستند. تحقیقات و آمارها بیانگر این نکته مهم است که این افراد از مدت زمانی قبل اقدام به مطرح کردن این موضوع با دوستان مجازی خود و کاربرانی که به آن‌ها نزدیک هستند، می‌کنند. آن‌ها حتی این مسئله را در پاره‌ای از موارد به صورت عمومی در صفحه مجازی خود مطرح می‌کنند. در این جا مسئولیت اخلاقی بیشتر متوجه کاربران شبکه‌های اجتماعی و دنبال‌کنندگان این شخص است. متأسفانه امروزه شاهد آن هستیم که حتی در سطح جامعه وقتی فردی درصدد خودکشی است، مردم تجمع کرده و تنها نظاره می‌کنند و برخی نیز فرد را حتی تشویق به این عمل می‌نمایند. در شبکه‌های اجتماعی نیز وضع به همین منوال است. جدی نگرفتن تهدیدات فردی که قصد خودکشی دارد، مسخره کردن او، تحریک کردن او با بیان این که جرأت چنین کاری را ندارد، تشویق کردن او با بیان این که راحت می‌شود و نظایر آن از جمله عوامل مؤثری است که فرد را برای انجام این عمل مصمم‌تر می‌نماید. در چنین شرایطی مسئولیت اخلاقی حکم می‌کند که کاربران به هر طریق که می‌توانند فرد را منصرف کنند، به اطرافیان او اطلاع دهند و در صورت آشنایی با او، اورژانس اجتماعی را در جریان قرار دهند.

۱ برای مطالعه بیشتر در این زمینه رک: جرم دعوت به خودکشی در حقوق کیفری ایران، پژوهش حقوق کیفری، مقاله ۴

در این مورد همان‌طور که ملاحظه شد از زاویه متفاوتی به رابطه اخلاق و خشونت نگاه شد. در این‌جا مسئولیت اخلاقی بیشتر متوجه دریافت‌کنندگان محتویات خشونت‌آمیز است تا منتشرکننده آن. یکی از تلخ‌ترین تجربیات فضای مجازی ماجرای خودکشی دو دختر اصفهانی بود که خود را از روی پل به پایین انداخته بود. دکتر سیدکاظم ملکوتی روان‌پزشک، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی ایران و رئیس جمعیت پیشگیری از خودکشی ایران در گفتگوهای رسانه‌ای می‌گوید: «شجاعت» و «نترسی» که این دو سعی می‌کنند به رخ بکشند، حکایت از اوج استیصال، ترس، ناامیدی و تنهایی آنان است که با خنده از حال درون خود حرف می‌زنند. این جملات که «دیدنی انجام دادم» واقعیت تلخی را آشکار می‌کند. آنان قبلاً چنین تهدیدی را برای دوستان، والدین و سایر مرتبطین با خود مطرح کرده‌اند؛ اما انگار کسی گفته بود: «جرأتش را نداری». وی ادامه می‌دهد: اتفاقاً بی‌توجهی اطرافیان به این تهدیدها نخستین خطای شایعی است که معمولاً در رابطه با خودکشی دیده می‌شود. در بسیاری از موارد اطرافیان این تهدیدها را شوخی، بازی برای هیجان و یا نهایتاً تهدیدی برای برای ترساندن تلقی می‌کنند و با خود می‌گویند «اگر این حرفها جدی بود، تاکنون اقدام کرده بود. این برای چندمین بار است که تهدید می‌کند». به همین دلیل بیان فکر خودکشی و یا تهدید به آن همیشه باید جدی گرفته شود؛ به‌ویژه اگر زیاد تکرار شود.^۱

خشونت‌های شدید و خونبار

برخی موارد مهم این اتفاق عبارت است از:

کُتک خوردن دختر تهرانی در سیرجان

یک کاربر اینستاگرام ساکن سیرجان کرمان در اقدامی غیراخلاقی دست به انتشار ویدئویی زنده در حساب کاربری شخصی خود می‌زند. در این فیلم دو پسر حاضر شروع به کُتک زدن دختر در آن محل می‌کنند. بر اساس توضیحات و اظهارات حاضران در این فیلم، ماجرا از این قرار بوده است که فحش دادن این دختر در اینستاگرام به یکی از این پسرها و دختر مورد علاقه آن پسر سبب شده که پسر مذکور برای انتقام‌جویی، دختر را با نقشه قبلی و با طرح دوستی از تهران به سیرجان بکشاند و او را مورد ضرب و شتم شدید قرار دهد. همان‌طور که در فیلم منتشرشده مشخص است، این اتفاق در باغی در این شهر افتاده است. دادستان شهرستان سیرجان از دستگیری این دو نفر خبر داد و با اشاره به این که در حال حاضر متهم اصلی (ضارب) روانه زندان شده، افزود: در این رابطه شخصی هم که اقدام به فیلمبرداری کرده بود، شناسایی و به همراه ضارب اصلی دستگیر شد.^۲

همان‌گونه که بیان شد خشونت اگر متوقف نشود، وارد مرحله‌های آسیب‌زننده‌تری می‌شود. در این مورد که تلفیقی از خشونت در فضای مجازی و محیط حقیقی است، جامعه شاهد وقوع اتفاقی تأسفبرانگیز،

^۱ چرا خنده دختران اصفهانی قبل از خودکشی اشک همه را درآورد؟، پایگاه خبری جماران

^۲ بازداشت پسری که لحظات کُتک زدن دختر تهرانی را از اینستاگرام پخش کرد، باشگاه خبرنگاران جوان

غیراخلاقی و نگران‌کننده است. منشأ شروع این اتفاق فحاشی یک دختر به دختر مورد علاقه پسری در اینستاگرام بوده است. این اولین مرحله از یک رفتار غیراخلاقی و خشونت‌آمیز در فضای مجازی است. در مرحله بعد واکنشی که به رفتار دختر داده می‌شود، بسیار تکان‌دهنده است. با طراحی یک نقشه او را به یک شهر خیلی دور از خانه کشانده و مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند. این اتفاق باید به‌طور جدی مورد آسیب‌شناسی قرار گیرد که بسیاری از موضوعات مربوط به آن از موضوع این گزارش خارج است. برخی مواردی که در این مورد قابل بررسی می‌باشد، عبارت است از:

- چرا یک دختر باید بدون هیچ‌گونه توجه و پرسشی از سوی خانواده خود راهی یک شهر غریب و بسیار دور شود. این خود بیانگر ضعف و آسیبی بودن محیط اخلاقی خانواده می‌تواند باشد.
- آیا پاسخ یک رفتار غیراخلاقی در حد توهین باید در این حد باشد؟
- چرا باید چنین حادثه سرکوب‌کننده و خشونت‌آمیزی به صورت زنده در شبکه‌های اجتماعی پخش شود؟ این سؤال را با توجه به ارتباط بیشتری که با فضای مجازی به‌طور خاص دارد، پس از بیان حادثه بعدی بیشتر مورد تحلیل قرار می‌دهیم.

مسئله دیگری که نشان‌دهنده زوال اخلاق و ترویج خشونت آن هم به طور گسترده می‌باشد و زاویه نگاه ما به جایگاه اخلاق و خشونت را در فضای مجازی تغییر می‌دهد، این است که تعداد دنبال‌کنندگان صفحه پسر در اینستاگرام قبل از پخش زنده تصاویر خشونت‌آمیز کمتر از ۴۰۰۰ نفر بوده است؛ اما به فاصله اندکی پس از پخش این تصاویر تا مرز ۱۴۰۰۰ نفر پیش می‌رود. این‌گونه اتفاقات را باید از ابعاد گوناگونی مورد تحلیل قرار داد؛ چرا که فضای مجازی باز هم شاهد موارد مشابه و افزایش یک‌شبه دنبال‌کنندگان حساب‌های کاربری در پی اتفاقاتی این‌چنینی بوده است. اگر بخواهیم قدر متیقنی از تمام این موارد مشابه به دست آوریم به این نقطه خواهیم رسید که بسیاری از کاربران از زیر پا گذاشتن ارزش‌های اخلاقی ولو فعلاً به دلیل کنجکاوی استقبال می‌کنند که این کنجکاوی می‌تواند با ادامه مسئله کم‌کم قبح مسائل غیراخلاقی را در اذهان دنبال‌کنندگان ریخته و خود آن‌ها را نیز رفته‌رفته به این سمت و سوق دهد.

قتل جوان ۱۹ ساله مه‌بادی

یکی از هولناک‌ترین و خشونت‌آمیزترین اقداماتی که تصاویر آن در فضای مجازی منتشر شد، قتل صادق برمکی جوان ۱۹ ساله‌ای بود که توسط دوستانش ابتدا مورد ضرب و جرح شدید قرار گرفته و سپس در حالی که هنوز زنده است، با بنزین سوزانده می‌شود. تصاویر این جنایت در فضای مجازی منتشر شد، در حالی که قاتلین با جسد در حال سوختن مقتول با لبخند در حال سلفی گرفتن هستند.

انتشار این تصاویر موج گسترده‌ای از واکنش‌ها را در فضای مجازی ایجاد کرد. این بار دیگر اکثریت کاربران در فضای مجازی و مردم در فضای حقیقی از رفتار در این حد خشونت‌آمیز شوکه شده بودند؛ زیرا هنگامی که دامنه خشونت به قدری گسترده شود که امنیت افراد را در معرض تهدید قرار دهد، دیگر خبری از استقبال و شوخی نیست. مسئله‌ای جدی در جامعه رخ داده که نه تنها اصول اخلاقی بلکه اصول انسانی و یا حتی حیوانی را زیر پا گذاشته است.

بنا بر اظهارات یکی از مطلعین این جنایت مقتول از چندی قبل در گروهی تلگرامی توسط قاتل تهدید شده بود؛ اما از آن جا که این قبیل خشونت‌های کلامی تبدیل به امری رایج در شبکه‌های اجتماعی شده است، جدی گرفته نشده و چه بسا با توجه به اختلال‌های اخلاقی و رفتاری قاتل اگر این حساسیت وجود داشت و مسئله جدی انگاشته می‌شد، از بروز چنین فاجعه‌ای جلوگیری می‌شد.

نکته دیگر آن که باز هم بنا بر اظهارات مطلعین در مصاحبه‌هایی که انجام داده‌اند، قاتل و شریکان جرم او همگی سابقه انحرافات اخلاقی و انجام اعمال ضد اخلاق را داشته‌اند. نوشیدن مشروبات الکلی، شرکت در مهمانی‌های مختلط و روابط خارج از عرف و اخلاق با جنس مخالف از جمله مواردی است که نشان از ضعف بازدارندگی اخلاقی در بروز این جنایت خشونت‌آمیز دارد.^۱

اما در خصوص ارتباط این گونه جنایات خونبار با فضای مجازی یک مطلب مهم دیگر لازم است ذکر شود و آن این که به مانند همیشه تعدادی از افراد برای افزایش آمار بازدید مبادرت به باز نشر این تصاویر و قصه پردازی در خصوص آن کردند. در این جا سه مورد بسیار مهم باید بیان شود که ارتباط تنگاتنگی با اخلاق و حقوق افراد جامعه دارد:

مورد اول این است که فیلمبرداری و پخش کردن چنین صحنه‌هایی مصداقی از قول خداوند در قرآن کریم می‌باشد که فرموده است: «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ همانا کسانی که دوست دارند کار زشت در بین کسانی که ایمان آورده‌اند شایع شود، عذابی سخت در دنیا و آخرت دارند». چنین اقدامی به خصوص در مورد خشونت طبیعتاً موجی از ناآرامی و نگرانی را در بین مردم ایجاد می‌کند و با فراگیر شدن آن نیز ناکارآمدی حاکمیت به اذهان متبادر خواهد شد.

مورد دوم و سوم احترام به حریم خصوصی قربانیان جرایم و نگاه داشتن حرمت اشخاص مصیبت‌زده و عزادار است. هر نظام اخلاقی حکم به رعایت این دو مورد می‌کند و به اندازه‌ای جهان‌شمول است که جزو سر فصل‌های اخلاق خبرنگاری به حساب می‌آید. تصاویری که احتمال دارد اندوه یا پریشانی قربانیان یا مصیبت‌زده‌گان را تشدید کند، تنها زمانی قابل انتشار است که از افراد مربوط اجازه گرفته شده باشد و یا نفع عمومی چنین کاری را توجیه نماید.^۲ اطلاع‌رسانی چنین اعمال خشونت‌باری نباید ابزاری برای اهداف شخصی مانند بالا رفتن تعداد پسندها و دنبال‌کنندگان باشد؛ بلکه صرفاً باید در راستای منافع عمومی بوده و اطلاع‌رسانی در مورد آن نیز باید با رعایت نکات اخلاقی همراه باشد.

در این خصوص پلتفرم‌ها و خدمت‌دهندگان نیز نقش مهمی بر عهده دارند. به عنوان مثال شبکه‌های اجتماعی باید گزینه‌ای را در اختیار کاربران برای گزارش محتوای خشونت‌بار قرار داده و اگر تعداد این گزارش‌ها به عدد معینی رسید، محتوا را حذف کنند؛ حتی اگر محتوا به نظر گردانندگان شبکه خشونت‌بار نباشد؛ زیرا

^۱ قتل جوان ۱۹ ساله مه‌آبادی، ویکی‌پدیا

^۲ حقوق رسانه، انتشارات سمت

ارائه این تعداد گزارش به معنای این است که عده قابل توجهی از کاربران چنین محتوایی را برنرفته‌اند که آن را گزارش کرده‌اند. پروتکل‌های احراز هویت حقیقی کاربران برای فعالیت در شبکه‌های اجتماعی از دیگر نکات مهمی است که پلتفرم‌ها باید در خصوص آن اقدام و برنامه‌ریزی کنند. جلوگیری از ساخت حساب‌های کاربری جعلی و متعدد نه تنها تأثیر زیادی در کاهش خشونت در شبکه‌های اجتماعی دارد؛ بلکه سبب صرفه‌جویی در بودجه و زمان دستگاه‌های قضایی و نظارتی برای پیدا کردن هویت حقیقی خاطیان می‌شود و کاربران را پاسخگوی اعمال و گفتار خود در شبکه‌های اجتماعی می‌کند.

نقش دیگر بر عهده سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران است که با وضع قوانین در زمینه ترویج خشونت در فضای مجازی از آن جلوگیری کنند. قانون‌گذار نباید به صرف مجازی بودن فضا نسبت به ترویج خشونت در آن بی‌تفاوت باشد؛ زیرا گسترش یک امر غیراخلاقی در فضای مجازی علاوه بر آن که نمایانگر وجود آن در فضای حقیقی است، عامل تشدید آن در فضای حقیقی نیز خواهد بود. البته در این راستا به دلیل آن که خشونت تهدیدی جدی علیه حقوق شهروندی و امنیت عمومی است، در سال ۱۳۸۸ ستاد صیانت از حقوق شهروندی و حریم امنیت عمومی در اجرای مصوبه ۵۶۶ شورای انقلاب فرهنگی و مصوبه ۴۲۷ شورای فرهنگ عمومی و صیانت از حریم امنیت عمومی تشکیل شد. در اولین نشست این ستاد اهداف و وظایف آن معین و در بند ۹ وظایف و صلاحیت‌ها مقرر شده است:

پیگیری و تدوین و تنظیم منشور شهروند منضبط و منشور وظایف خدمتگزاران مردم در رعایت قانون و حقوق شهروندی و تلاش جهت اجرایی و عملی کردن آن در دستگاه‌ها.

همچنین بند ۱۳ نیز این‌گونه اشعار می‌دارد که:

هماهنگی و برنامه‌ریزی تبلیغات مناسب فرهنگی و اجتماعی در دفاع از حقوق شهروندی و امنیت عمومی و تقویت بهداشت و امنیت روانی جامعه و نشاط اجتماعی مردم.

بدیهی است که تهیه و تدوین منشور شهروند منضبط باید تکالیف کاربر منضبط فضای مجازی را نیز مشخص کند و همچنین وظایف کارکنان دولتی حوزه فضای مجازی و ارائه‌دهندگان خدمات را نیز مقدم بر آن معین نماید. خشونت به عنوان یک تهدید جدی علیه بهداشت و امنیت روانی جامعه نیازمند هم‌افزایی و فعالیت همه‌جانبه دولت برای صیانت از حقوق شهروندی و نظام اخلاقی و ارزشی جامعه است. در نتیجه تکلیفی که در این دست قوانین بر عهده دولت و دستگاه‌های اجرایی گذاشته می‌شود، نه تنها باید با فوریت به منصفه ظهور برسد؛ بلکه باید به جدیت تداوم و بازدهی آن مورد ارزیابی قرارگیرد.

۳- رابطه خشونت با فضای مجازی

۳-۱- نقش فضای مجازی در ترویج خشونت

فضای مجازی با مهیا کردن بستر گسترده برای اظهار خشونت، محک دشوارتری برای نظام‌های اخلاقی فراهم کرده است. هنگامی که در یک محیط تقریباً غیر قابل کنترل مانند شبکه‌های اجتماعی افرادی مبادرت به اعمال خشونت‌آمیز علیه دیگران می‌کنند، اعمال خود را تبلیغ می‌نمایند و در معرض دید دیگران قرار می‌دهند و از طرفی آن محیط و بستر ارتکاب عمل خود نیز دارای ویژگی‌های آسیب‌زا می‌باشد، اخلاق کاملاً در تنگنا قرار خواهد گرفت. هر چند تمام رفتارهای خشونت‌آمیز را نمی‌توان ناشی از بی‌اخلاقی و بداخلاقی دانست و عده‌ای از افراد همواره در هر جامعه و محیطی وجود دارند که دارای اختلالات روانی و پرخاشگرانه بوده و در واقع به نوعی بیمار هستند و بیشتر باید تحت درمان پزشکی قرار گیرند تا آموزش اخلاقی، اما اولاً این حالت را نمی‌توان به همگان نسبت داد تا از نظام حاکم بر جامعه در قبال رفتارهای خشونت‌آمیز کاربران در شبکه‌های اجتماعی به طور کلی سلب مسئولیت شود و ثانیاً یک نظام اخلاقی کارآمد باید برای چنین کاربرانی و نیز سایر کاربران در مواجهه با آن‌ها راهکارهای لازم را ارائه دهد. بالاتر از آن، جامعیت نظام اخلاقی باید در حدی باشد که مسئولیت پلتفرم‌ها و قوانین شبکه‌های اجتماعی را نیز مشخص نماید.

در این خصوص در علم روان‌شناسی تحقیقات گسترده‌ای انجام گرفته است تا نقش و تأثیر بیماری‌های روانی بر رفتارهای فرد مشخص شود. واقعیت امر آن است که افرادی که دارای بیماری حاد روانی نظیر روان‌گسیختگی و یا اختلال پارانویا هستند، با توجه به دیگر ویژگی‌های خاص بیماری خود امکان و احتمال کنشگری هدفمند در فضایی همانند شبکه‌های اجتماعی را به میزان کمتری می‌توانند داشته باشند.

اما دسته‌ای دیگر از افراد هستند که متأسفانه امروزه نیز حضور پررنگی در شبکه‌های اجتماعی دارند و دارای اختلال شخصیت ضداجتماعی هستند. این افراد بدون داشتن بیماری روانی به اعمال ضداجتماعی و ضداخلاقی دست می‌زنند. تمرکز رفتارشناسی و شخصیت‌شناسی در پروژه‌هایی که لازم است در آینده صورت پذیرند، باید معطوف به این دسته افراد باشند. اعمال این دسته تا مرحله‌ای پیش رفته است که در علم روان‌شناسی جنایی اصطلاح جنون اخلاقی^۱ را در خصوص آن‌ها به کار می‌برند. این دسته از افراد خود را از اخلاق حاکم بر جامعه جدا می‌بینند و از نقض قواعد اخلاقی لذت می‌برند. درباره ویژگی‌های رفتاری این افراد با تأکید بر این که بیمار روانی نیستند، باید گفت که دارای حالت‌هایی از قبیل فقدان پشیمانی، عدم احساس گناه، نداشتن عاطفه، همدلی و هم‌احساسی، هیجان‌های عمیق، رفتارهای غیرمسئولانه و خودخواهی، خودمیان بینی یا بزرگ‌پنداشتن ارزش‌های شخصی هستند. ویژگی اصلی افراد دارای شخصیت ضداجتماعی، بی‌اعتنائی و تجاوز به حقوق دیگران است.^۲

شاید بیان این واقعیت در اتخاذ تصمیمات و سیاست‌گذاری‌های مسیر سرنوشت‌سازی که جامعه و فرهنگ ایران پیش رو دارد، خالی از اهمیت نباشد که فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی سیاست‌کتمان آسیب‌های

^۱ Moral Insanity

^۲ روانشناسی جنایی، ص ۱۴۴

اجتماعی از سوی متولیان اجرایی را به چالش کشیده است. پدیداری گسترده خشونت در فضای مجازی از طرفی حاکی از اختلال در وضعیت اخلاقی جامعه بوده و از طرف دیگر رفتارهای خشونت‌آمیز با فراتر رفتن از توان بازدارندگی نظام اخلاقی جامعه در دراز مدت سبب یک استحاله اخلاقی و ایجاد رویکرد انفعالی در جامعه می‌شود. خشونت به عنوان یک بداخلاقی تبدیل به یکی از پنج نگرانی مهم جامعه جهانی شده است. بر اساس نظرسنجی مرکز تحقیقات بازار و افکار عمومی ایپسوس^۱ که از ۱۸ هزار فرد ۱۶ تا ۶۴ ساله در ۲۸ کشور جهان در مارس ۲۰۱۹ به دست آمده است، پنج نگرانی اصلی مردم جهان مورد بررسی قرار گرفت. خشونت به عنوان یکی از این پنج نگرانی، ۳۱ درصد از پاسخ دهندگان به این نظرسنجی را به خود اختصاص داد.^۲ آمارها و نظرسنجی‌های مشابه نیز بیانگر این نکته است که افزایش خشونت در تمامی جوامع به یک بحران تبدیل شده است.

نکته مهم دیگر توجه به رقم خاکستری و سیاه خشونت در فضای مجازی و جامعه است. هر چند شبکه‌های اجتماعی خشونت را از حالت آپارتمانی خارج کرده و رؤیت‌پذیری و شاخص ادراک آن را افزایش داده‌اند، اما همچنان بسیاری از اعمال خشونت‌آمیز اتفاق می‌افتد که قربانیان آن بنا بر بسیاری از ملاحظات شخصی آن را اعلام نمی‌کنند. همچنین پاره‌ای دیگر از خشونت‌ها هستند که گرچه قربانیان آن شناسایی می‌شوند، ولیکن مرتکبین اعمال خشن مورد شناسایی قرار نمی‌گیرند، آزادانه در فضای مجازی فعالیت می‌کنند، در سطح جامعه میان مردم زندگی می‌کنند و ماهیت ضداخلاق و خشن آن‌ها حتی برای نزدیک‌ترین افراد به آن‌ها مشخص نیست. بدیهی است که در این موارد حتی ضمانت‌های اجرایی حقوقی نیز نمی‌تواند به کمک اخلاق آمده تا از جامعه و نظام‌های ارزشی و اخلاقی آن حمایت کند.

در پایان این قسمت نکته‌ای که لازم است مد نظر قرار گیرد، بد اخلاقی‌های خشونت‌آمیز ناشی از بیمار بودن فضای مجازی است. فضای مجازی بیمار محیطی است که بازدارندگی نظام اخلاقی حاکم بر کاربر در آن دچار اختلال و نقص کارکردی شده و از طرف دیگر کنترل اجتماعی و صیانت از ارزش‌های جمعی نیز دچار انفعال شده است. خروجی معادله مذکور منجر به شکل‌گیری خشونت و بداخلاقی در فضای مجازی می‌شود.

۳-۲- علل اصلی رواج خشونت در فضای مجازی

پیامدها و تبعات فردی و اجتماعی خشونت از دیرباز بسیاری از اندیشمندان و محققین حوزه‌های مختلف علمی را بر آن داشته است تا به بررسی عوامل ارتکاب رفتار خشونت‌آمیز از سوی اشخاص در موقعیت‌های مختلف زندگی اجتماعی بپردازند. از همین رو اندیشمندان هر یک از حوزه‌های علمی متناسب با زمینه تحقیقاتی و تخصص خود به بررسی علل خشونت پرداخته‌اند و می‌توان این‌گونه برداشت کرد که هر کدام از نظریات

^۱ IPSOS Market Research Company

^۲ پنج نگرانی اصلی مردم جهان، ایسنا

توجیهی در خصوص خشونت به دلیل جزئی بودن موضوع این علوم، ماهیتا دلایلی فرعی به حساب می‌آیند. به همین سبب دست‌یابی به علت‌های کلی‌تر که قابلیت پوشش‌دهی طیف وسیعی از این دلایل و نظریات را داشته و جامع‌الاطراف باشند، ضروری به نظر می‌رسد که این امر مهم در علومی که موضوع کلی دارند به‌مانند فلسفه و اخلاق میسر می‌شود. با صرف نظر کردن از آن دسته افرادی که به علت اختلال‌های روحی و روانی ممکن است دست به انجام عمل خشونت‌آمیز بزنند، دلایل اصلی خشونت در نظریات اندیشمندان علوم مختلف را می‌توان در چهار دسته کلی طبقه‌بندی کرد. این دلایل را «عوامل خارجی» می‌نامیم که عبارتند از:

- دلایل اقتصادی
- دلایل فرهنگی - اجتماعی
- دلایل سیاسی
- دلایل محیطی

ارتکاب عمل خشونت‌بار صرفاً معلول این عوامل خارجی نیست. پاره‌ای دیگر از عوامل خارجی را نیز می‌توان برشمرد که آن‌ها را «عوامل فردی» می‌نامیم. در علت‌یابی خشونت به عنوان یک پدیده اجتماعی نمی‌توان تنها به یک یا بعضی از این عوامل استناد کرد. خشونت عملی است در نتیجه اجتماع شرایطی که برخی منتسب به عوامل خارجی و برخی منتسب به عوامل فردی می‌باشد. عوامل فردی نیز صرفاً معطوف به فاعل عمل خشونت‌بار نمی‌شوند و ممکن است از قربانی خشونت نیز در مواقعی ناشی شوند. در نتیجه عوامل فردی را نیز می‌توان در یک تقسیم‌بندی این‌گونه احصا نمود:

- دلایل معطوف به مباشر عمل خشونت‌آمیز
- دلایل معطوف به قربانی عمل خشونت‌آمیز
- خشونت ناشی از اجتماع شرایط مباشر و قربانی

هر کدام از این عوامل نیازمند شرح و توضیحی جداگانه و مفصل است که از عهده این نوشتار خارج بوده و بررسی‌هایی اختصاصی می‌طلبد؛ اما در ادامه با ذکر و توضیح دو دلیل کلی که از جامعیت بالایی برخوردار بوده و در بسیاری از نظریات توجیهی در خصوص خشونت مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند در ضمن بیان مثال‌هایی در مقام انطباق مشخص خواهد شد که این دو دلیل امکان پوشش علل و عوامل رفتارهای خشونت‌آمیز از سوی افراد را مطابق با نظریات تخصصی اندیشمندان و صاحب‌نظران این عرصه دارند.

تعارض تکالیف^۱ و تعارض منافع^۲ از مباحث مهم فلسفی خصوصاً فلسفه اخلاق است. در سطور آتی با توجه به توضیحات فوق روشن می‌شود که این دو، علل اصلی رایج شدن خشونت در فضای مجازی است و سایر علل و عوامل باید در ذیل این دو مورد بررسی شوند که برخی از آن‌ها ذکر خواهد شد.

^۱ Normative Conflict

^۲ Conflict of Interest

تعارض منافع

تعارض منافع به حالتی گفته می‌شود که میان منافع شخصی و منافع عمومی تقابل و تزامن صورت می‌گیرد.^۱ بسیاری از محققین و دانشمندان بر این باورند که ذهن انسان همانند یک ماشین حساب دقیق قبل از انجام هر عملی به محاسبه سود و زیان ناشی از آن عمل دست می‌زند و در صورت بیشتر بودن سود عمل از ضرر و عواقب منفی ناشی از آن، فرد عمل را انجام می‌دهد. به همین دلیل است که در علم جرم‌شناسی نیز مکتبی تحت عنوان تحلیل اقتصادی جرم شکل گرفته است.

حال با توجه به این علت هنگامی که در بستر شبکه‌های اجتماعی ارزش‌هایی همانند آمار بازدید از پست‌ها، مورد پسند واقع شدن از سوی مخاطب و دنبال شدن او توسط دیگران شکل می‌گیرد و بستر شبکه نیز بنا بر سیاست‌های پیدا و پنهان خود، کاربر را در اعتلای این ارزش‌ها هدایت و راهنمایی می‌کند، ذهن محاسبه‌گر به این می‌اندیشد که انجام عمل خشونت‌آمیز با منافع بالا رفتن آمار بازدید و پسند، بیشتر از پیامدهای نامطلوب اخلاقی عمل و آسیب‌های فردی و اجتماعی آن است. پس کفه‌ی ترازوی عمل خشونت‌بار سنگین‌تر شده و فرد مبادرت به ارتکاب عمل می‌کند. این معادله در خصوص افرادی که مبادرت به بازنشر و اشتراک‌گذاری پست‌های خشونت‌آمیز می‌کنند نیز صادق است.

صرف نظر از دیگر عوامل مؤثر در این محاسبه نظیر تبدیل شدن شبکه‌های اجتماعی به ابزار کاسبی و پول درآوردن عده‌ای از افراد از راه بالا بردن آمار بازدید و گرفتن تبلیغ (دلیل اقتصادی)، یکی از عوامل مغفول در مورد افرادی که مبادرت به اقدامات خشونت‌آمیز در فضای مجازی می‌کنند، احساس خودکم‌بینی و یا عقده حقارت است (دلیل فردی معطوف به مباشر عمل خشونت‌آمیز). این افراد در دنیای واقعی بنا بر سلسله دلایلی از جمله ضعف در مهارت‌های اجتماعی آن‌گونه که انتظار داشته‌اند دیده نمی‌شوند و جایگاه اجتماعی و نقش خود در جامعه را پیدا نکرده‌اند. با این شرایط در صورتی که این افراد دارای ضعف‌های اخلاقی و اعتقادی هم باشند، یکی از راه‌های مطرح کردن خود و جلوه‌گری را در اقدامات خشونت‌بار می‌یابند. این افراد با روی آوردن به خشونت در فضای مجازی هم به نوعی عقده‌گشایی می‌کنند و هم صفحه شخصی خود را کانونی برای جلب توجه دیگران قرار می‌دهند و بی‌توجهی فضای حقیقی را بدین شکل جبران می‌نمایند. لذا سبب شکل‌گیری معضلی می‌شوند که می‌توان از آن به قلدرهای مجازی تعبیر کرد. افرادی که دیگران را تهدید می‌کنند، در شبکه‌های اجتماعی قدرت‌نمایی و رجزخوانی می‌کنند، به هر بهانه و در هر موقعیتی به دیگر کاربران حمله کرده و توهین‌های رکیک می‌نمایند و بالاتر از آن دست به اقدامات شدیداً خشن زده و آن را در شبکه‌های اجتماعی به‌طور گسترده منتشر می‌کنند.

از دیگر موارد شایع که باعث تشدید خشونت در فضای مجازی شده و ناشی از تعارض منافع است، پاسخ‌های مشاهده‌کنندگان خشونت به رفتارهای یک فرد خشن است. فرایند تحقق این شکل از خشونت به این

^۱ Conflict of interest Definition, Black's Law Dictionary, (6th Edition. 1990), 299

صورت است که افراد تحت تعلیم و تأثیر نظام اخلاقی مسلط بر جامعه نحوه واکنش صحیح به یک فرد خشن و یک رفتار خشونت‌آمیز را نمی‌دانند؛ اما در هنگام مشاهده قربانی شدن نظام اخلاقی جامعه و تعارض منافع آن با عمل فردی که منفعت خود را در خشونت یافته است، خود نیز مرتکب خشونت می‌شوند (خشونت ناشی از اجتماع شرایط مباشر و قربانی).

در این الگوی خشونت دو نکته مهم قابل ذکر است:

نخست آن که آموزه‌های اخلاقی و نظام تربیتی یک جامعه باید از قبل آمادگی برخورد با چنین شرایطی را در افراد تحت تعلیم خود ایجاد کند؛ چرا که بسیار دور از ذهن و آرمان‌گرایانه است که جامعه ای را تصور کنیم که در آن هیچ رفتار خشونت‌آمیزی صورت نمی‌گیرد. پس افراد یک جامعه باید بدانند که در چنین شرایطی حتی در فضای مجازی اسباب موجه اباحه خشونت همچون دفاع و اضطرار سالبه به انتفاء موضوع است. از سوی دیگر همان‌گونه که در دین مبین اسلام نیز بیان گردیده است امر به معروف و نهی از منکر دارای سلسله‌مراتبی است که مراتبی از آن در حیطه وظایف حاکمیت است و نه افراد جامعه. در نتیجه اگر نیاز به پاسخ همراه با خشونت باشد، مشروعیت آن صرفاً از مجرای قانون و مراجع صالح می‌گذرد.

نکته دوم آن که در مواردی شاهد آن هستیم که هرچند فرد برای منفعت خود دست به یک سلسله‌اقدامات غیراخلاقی در فضای مجازی و خاصه شبکه‌های اجتماعی می‌زند؛ اما عمل خود را متصف به وصف خشونت نمی‌داند (دلایل معطوف به قربانی عمل خشونت‌آمیز)؛ در حالی که واکنشی که از سوی حامیان نظام اخلاقی جامعه صورت می‌گیرد آن است که عمل فرد را در تعارض با منافع اخلاق جمعی و خشونت‌آمیز می‌دانند، خشونت‌هایی که از خشونت‌های کلامی در فضای مجازی تا خشونت‌های فیزیکی در دنیای واقعی گسترده است. این قبیل واکنش‌ها از سوی افرادی که عموماً تحت آموزش‌های اخلاقی بوده و اکثراً دلسوز منافع اخلاقی جامعه و نظام ارزشی حاکم بر آن هستند، بیانگر این واقعیت است که به نهادینه‌سازی ارزش‌های اخلاقی در افراد جامعه باید توجه ویژه‌ای داشت و مسائل مهمی نظیر مسئولیت اجتماعی به همراه راهکارها و شیوه‌های آن و نیز محدودیت‌ها و زیرساخت‌های پی‌گیری مبارزه با بی‌اخلاقی از سوی کاربران شبکه‌های اجتماعی را باید بازتعریف کرده و آموزش داد.

تعارض تکالیف

یکی از مهم‌ترین موضوعات فلسفه اخلاق بحث تعارض تکالیف و تعارض میان خود و دیگران است. طرح تعارضات اخلاقی اولین بار در نظریات افلاطون دیده شد و رد پای تعارضات اخلاقی در اخلاق پزشکی، اقتصاد، سیاست و دیگر موارد کاربرد اخلاق دیده می‌شود. به موقعیت‌هایی که در آن قادر به انجام هم‌زمان تکالیف خود، به دلیل تزامم آن‌ها با یکدیگر نیستیم، «تعارض تکالیف» گفته می‌شود.^۱ این حالت بیانگر شرایطی است

^۱ مساله صوری‌سازی تعارض تکالیف، جاویدان خرد

که فرد در خصوص انجام تکلیف با دیگران دارای اختلاف عقیده باشد (دلایل فرهنگی - اجتماعی و یا دلایل سیاسی) مانند افرادی که به دلیل تعلق خاطر به یک گروه سیاسی و مرام‌های آن خود را ملزم به تبعیت از تکالیف گروه سیاسی خود می‌دانند و این التزام به تبعیت در صورتی که در تعارض با تکالیف مدنی یک شهروند منضبط باشد، منجر به ارتکاب رفتار خشونت‌آمیز می‌شود. از دیگر مثال‌های ملموس و عینی آن می‌توان به خشونت‌های ناشی از تعارض تکالیف قومی و قبیله‌ای با تکالیف شهروندی اشاره کرد. این قبیل تعارضات که - عمدتاً حاصل تقابل فرهنگی است - به خصوص از سوی مهاجرین مشاهده می‌شود.

حالت دیگر آن است که فرد قدرت تشخیص وظیفه اخلاقی را دارد؛ ولی این وظیفه با میل و رغبت او در تعارض است (دلایل معطوف به مباشر عمل خشونت‌آمیز). واژه تکلیف زمانی به کار برده می‌شود که قاعده و دستورالعملی در کار باشد و تا زمانی که چنین دستوری مقرر نشده باشد، تکلیف اخلاقی نیز وجود ندارد.^۱ در این مقام تکلیف اخلاقی مشخص است: خشونت عملی بد و نکوهیده بوده و باید از آن پرهیز کرد. اما در هنگام تعارض و زمانی که فرد دچار آسیب‌های اخلاقی و کج‌روی‌های رفتاری می‌شود چه؟ فارغ از بحث‌های فلسفی عمیقی که فلاسفه اخلاق در خصوص تعارض تکالیف مطرح کرده‌اند، عده‌ای از آن‌ها بر این باورند که در واقع تعارض در تکالیف معنا ندارد و منتفی است؛ چرا که تکلیف مستلزم امکان است و وقتی قدرت انجام کاری را نداشته باشیم، تکلیفی نیز در قبال آن نداریم.

نظر دیگر آن است که گاهی تعارض در تکالیف ناشی از اشتباه خود فرد بوده و فرد خود سبب پدید آمدن شرایطی شده است که در معرض انجام دو تکلیف متعارض قرار گرفته است.^۲ در این جا اشاره به نکته‌ای که در مبحث قبل به آن پرداختیم، مفید به نظر می‌رسد: گاهی افراد خود را داخل در گروهایی می‌کنند که خشونت در آن به عنوان یک ارزش شناخته می‌شود (دلیل محیطی). فردی که عضو گروه است برای تثبیت جایگاه خود در گروه و حفظ و افزایش اعتبار خود نزد همگروهیان احساس تکلیف به عمل خشونت بار می‌کند؛ در حالی که نظام اخلاقی حاکم بر جامعه خشونت را عملی بد، غیر اخلاقی و بر خلاف وجدان جمعی می‌داند و دوری کردن از آن را تکلیف فرد می‌داند. در این جا هرچند اکثر افرادی که به عضویت در این خرده‌فرهنگ‌ها در آمده‌اند تکلیف خود را انجام خشونت می‌دانند؛ اما آن دسته افرادی که همچنان وجدان عمومی در آن‌ها بیدار بوده، تازه به چنین خرده‌فرهنگ‌هایی پیوسته‌اند و ارزش‌های گروه در آن‌ها نهادینه نشده است، ممکن است با تعارض در تکالیف مواجه شوند. به عنوان مثال با سؤالاتی از این قبیل مواجه می‌شود که:

- آیا به پیروی از گروه به قسمت نظرات یک کاربر حمله کنم یا خیر؟
- آیا محتوای خشونت‌آمیز اعضای گروه را باز نشر کنم یا خیر؟
- آیا برای ارتقا یا کسب جایگاه در گروه مبادرت به اقدام خشونت‌آمیز کنم یا خیر؟

^۱ برای اطلاعات بیشتر رک: The Moral Sense, London: Oxford Univ. Press

^۲ فلسفه اخلاق، ص ۳۴

• و بسیاری از موارد مشابه دیگر.

در این جا واضح است که تعارض تکالیف ناشی از اشتباه خود شخص است. فردی که تحت آموزش نظام اخلاقی حاکم بر جامعه قرار دارد و بدون داشتن زمینه‌های روحی و روانی صرفاً از روی کنجکاوی و یا ماجراجویی نوجوانانه به چنین خرده‌فرهنگ‌هایی پیوسته است، نه تنها فشار روانی و استرس ناشی از تعارض تکالیف و عذاب وجدان را به خود تحمیل می‌کند؛ بلکه چه بسا به مرور زمان خود نیز تبدیل به فردی خشن و با شخصیت ضداجتماعی شود و با پاسخ غیراخلاقی این تعارض را پشت سر بگذارد. این است که تعداد خشونت‌گرایان در فضای مجازی بیشتر می‌شود. از طرف دیگر این افراد در فضای حقیقی نیز در حال زندگی هستند و افزایش خشونت در فضای مجازی باعث افزایش خشونت در فضای حقیقی نیز خواهد شد.

از آن جا که اخلاق معطوف به افعال ارادی انسان است، پس آن دسته از افرادی که به دلیل اختلال‌های روحی و روانی مبادرت به اقدامات خشونت‌آمیز می‌کنند و به نوعی کنترل و اراده‌ای بر اعمال خویشان ندارند، از این موضوع خارج هستند. لذا بحث بر سر عموم کاربران شبکه‌های اجتماعی و آحاد جامعه است که افرادی سالم، طبیعی و مختار در نظر گرفته می‌شوند. رواج خشونت در میان این آحاد نگران‌کننده و آسیب‌زا می‌باشد. فراگیر شدن خشونت در جامعه که بدواً به عنوان یک ضداخلاق شناخته می‌شود، در مرحله اول تبدیل به یک عمل خنثی می‌شود. چنان‌چه در این مقطع نظام اخلاقی به کمک سایر ارکان اجتماعی به مقابله با خشونت و مهار آن اقدام نکند، خشونت وارد مرحله‌ی بعدی شده و در گروه‌های خشونت‌گرای فضای مجازی تبدیل به یک عرف مسلم و پذیرفته‌شده می‌شود. به موازات آن این گروه‌ها خشونت را در فضا حقیقی نیز بروز می‌دهند. پس از آن کم‌کم خشونت در فضای مجازی و حقیقی فراگیر می‌شود. این روند کم و بیش در سایر مسائل غیراخلاقی نیز دیده می‌شود.

جمع‌بندی

گزارش خشونت از منظر اخلاق و حقوق با هدف تعیین مصادیق مذموم خشونت و ارتباط میان اخلاق و خشونت در فضای مجازی به قلم تحریر درآمد. در این رهگذر مشخص شد که خشونت صرف نظر از مواردی که به تجویز مذهب و قانون و برای صیانت از ارزش‌های اخلاقی به کار می‌رود و به جز مواردی که به بیماری مربوط می‌شود، رفتاری ضداخلاق است. از سوی دیگر ارتباط میان اخلاق و خشونت ارتباطی دوسویه شناخته و مشخص شد که اخلاق عاملی برای بازداری انسان از خشونت و خشونت محکی جدی برای سنجش اخلاق در جامعه است. در تحلیل و بررسی خشونت به منظور دستیابی به مصادیق آن در فضای مجازی به چالش‌های مهم تعارض تکالیف و منافع که ممکن است هر انسانی را که تحت تأثیر آموزه‌های یک نظام اخلاقی است، دچار تحیر کند، اشاره شد. از این رهگذر مشخص شد که عمل کاربر فضای مجازی به‌هنگام تعارض در منافع با توجه به محاسبه‌گری ذهن انسان ممکن است به سمت بداخلاقی‌های رایج در فضای مجازی حرکت کند. در تعارض تکالیف نیز مشخص شد که بسیاری از شرایط آسیب‌زایی که فرد را در معرض انجام دادن دو تکلیف متعارض قرار می‌دهد، به دلیل انتخاب‌های غلط خود فرد است. در این بخش نتیجه مهمی که گرفته شد این

بود که فراگیر شدن خشونت به عنوان یک عمل غیراخلاقی در جامعه، در مرحله اول تبدیل به یک عمل خنثی می‌شود و چنانچه با این بی‌تفاوتی مقابله نشود، در مرحله‌ی بعد و در گروه‌های اجتماعی خشن تبدیل به یک عرف مسلم و پذیرفته‌شده می‌شود. این وضعیت ترویج خشونت در فضای حقیقی با شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی بیش از پیش تسریع می‌شود.

در ادامه اقسام خشونت در فضای مجازی با توجه به نقش این فضا در ایجاد آن بیان شد. ذکر شماری از خشونت‌های هر دسته و تطبیق آن با مواد قوانین جزایی مشخص کرد که اکثر خشونت‌های ناشی از بی‌اخلاقی در فضای مجازی دارای وصف مجرمانه هستند. افزایش پرشتاب نرخ خشونت و همچنین تنوع در ارتکاب رفتارهای مختلف خشونت‌آمیز در فضای مجازی نیازمند آن بود تا در خصوص مرتکبین هریک از این خشونت‌ها نیز تقسیم‌بندی صورت پذیرد تا با توجه در مورد هر دسته واکنش‌های متناسب اخلاقی و حقوقی اتخاذ شود. از پس این تحلیل مشخص شد که بسیاری از بداخلاقی‌های خشونت‌آمیز ناشی از بیمار بودن فضای مجازی است که بازدارندگی نظام اخلاقی حاکم بر بسیاری از کاربران دچار اختلال و نقص کارکردی کرده است که در کنار انفعال کنترل اجتماعی و صیانت از ارزش‌های جمعی وضعیت کنونی را برای اخلاق فضای مجازی به‌خصوص در بحث خشونت به وجود آورده است.

منابع

- [۱] ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحة، دنیای دانش، تهران، ۱۳۸۲
- [۲] اتکینسون، آر. اف، ترجمه سهراب علوی‌نیا، فلسفه اخلاق، مرکز ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۹
- [۳] انصاری، باقر، حقوق رسانه، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۹۵
- [۴] حنایی کاشانی، محمدسعید، پرسش از تکنولوژی و خشونت، ماهنامه کیان، سال هشتم، شماره ۴۵، بهمن - اسفند ۱۳۷۷
- [۵] خسروی، زهره، خاقانی‌فرد، میترا، مطالعه عوامل پیش‌بینی‌کننده خشونت علیه زنان در دو گروه از زنان مراجعه‌کننده به دادگاه‌ها و زنان گروه کنترل، پژوهش زنان، دوره ۸، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۹
- [۶] دادستان، پریرخ، روانشناسی جنایی، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۹۰
- [۷] دارابی، بهنام، جرایم ناشی از نفرت مذهبی، مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی، شماره ۴۶، زمستان ۱۳۹۵
- [۸] شاکری، ابوالحسن، رستگاری، ماندانا، جرم دعوت به خودکشی در حقوق کیفری ایران، پژوهش حقوق کیفری، مقاله ۴، دوره ۲، شماره ۴، پاییز ۱۳۹۲
- [۹] شیخ صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۳ ق
- [۱۰] عابدی اردکانی، محمد، اسلام سیاسی انقلاب اسلامی و جهان‌عاری از خشونت، اندیشه سیاسی در اسلام، شماره ۹، پاییز ۱۳۹۵

- [۱۱] عابدی خوراسگانی، محمد حسن، و دیگران، پزشکی قانونی، مرکز تحقیقات پزشکی قانونی کشور، تهران، ۱۳۹۴
- [۱۲] عبداللهی نژاد، علیرضا، مجلسی، نوشین، «خشونت کلامی» در فضای مجازی؛ مطالعه موردی اظهارنظرهای دنبال کنندگان در صفحات اینستاگرام هنرمندان ایرانی، مطالعات رسانه‌های نوین سال چهارم، شماره ۱۳، بهار ۱۳۹۷
- [۱۳] عسگری، مصطفی، خودزنی؛ فریادی برای کمک، اصلاح و تربیت، آبان ۱۳۸۴ - شماره ۴۴
- [۱۴] فروغی، محمدعلی، آیین سخن وری، انتشارات زوار، ۱۳۸۷
- [۱۵] کدیور، ملیحه، مردانی حموله، مرجان، مدنی، منصوره، تحلیل یک مورد کودک‌آزاری با رویکرد اخلاقی، اخلاق پزشکی، شماره ۳۹، بهار ۱۳۹۶
- [۱۶] کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲، دار الکتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۷ ق
- [۱۷] کی‌نیا، مهدی، خودکشی، ماهنامه قضایی، شماره ۱۵۰، شهریور ۱۳۵۷
- [۱۸] گلدوزیان، ایرج، محشای قانون مجازات اسلامی، انتشارات مجد، تهران، ۱۳۹۶
- [۱۹] محسنی دهکلانی، محمد؛ رضائاد، علی، تحلیل پدیده حیوان آزاری در فقه امامیه و حقوق ایران، تحقیقات حقوقی، شماره ۸۳، پاییز ۱۳۹۷
- [۲۰] محسنی، فرید، حریم خصوصی اطلاعات، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ۱۳۹۴
- [۲۱] نبوی، فاطمه‌سادات؛ یوسفی‌پور، محمدعلی، مساله صوری سازی تعارض تکالیف، جاویدان خرد، شماره ۳۵، بهار و تابستان ۱۳۹۸
- [۲۲] هزاوه‌ای، محمدرضا، معنانشناسی خشونت، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۲۳، بهار ۱۳۸۳
- [۲۳] ۵ هزار مرد پارسال از زنان‌شان کتک خوردند - خبرآنلاین، Retrieved December 14, 2019, from <https://www.khabaronline.ir/news/548901/5> -from هزار-مرد-پارسال-از-زنان-شان-کتک-خوردند
- [۲۴] ۳۰ درصد دانش‌آموزان استانداردهای سلامت روان را ندارند، ایسنا، Retrieved December 9, 2019, from <https://www.isna.ir/news/98091208283/> -درصد-دانش-آموزان-استانداردهای-سلامت-روان-را-ندارند
- [۲۵] اینفوگرافی / پنج نگرانی اصلی مردم جهان، ایسنا، Retrieved December 9, 2019, from <https://www.isna.ir/news/98061206709/> -پنج-نگرانی-اصلی-مردم-جهان
- [۲۶] بازداشت پسری که لحظات کتک زدن دختر تهرانی را از اینستاگرام پخش کرد+عکس، باشگاه خبرنگاران جوان، Retrieved December 3, 2019, from <https://www.yjc.ir/fa/news/6788616/> بازداشت-پسری-که-لحظات-کتک-زدن-دختر-تهرانی-را-از-اینستاگرام-پخش-کرد-عکس

[۲۷] پشت‌پرده کلیپ زجرآور آزار دختر مرندی چیست؟ - خبرآنلاین، Retrieved December 3, 2019, from <https://www.khabaronline.ir/news/797649/>

مرندی-چیست

[۲۸] جزئیات کودک آزاری در مهدکودک اردبیل/ خاطیان زندانی شدند، خبرگزاری مهر | اخبار ایران و جهان | Mehr News Agency. Retrieved December 3, 2019, from <https://www.mehrnews.com/news/2329891/>

خاطیان-زندانی-شدند

[۲۹] چرا خنده دختران اصفهانی قبل از خودکشی اشک همه را درآورد؟، پایگاه خبری جماران، Retrieved December 3, 2019, from <https://www.jamran.ir/>

چرا-خنده-دختران-اصفهانی-قبل-از-خودکشی-اشک-همه-را-درآورد

[۳۰] خاطرات تلخ بنجامین ویلیامز داور جنجالی ایران-عراق، ورزش سه، Retrieved December 3, 2019, from <https://www.varzesh3.com/news/1573812/>

داور-جنجالی-ایران-عراق

[۳۱] سالمند آزاری رتبه سوم خسونت‌های خانگی در ایران، ساعت ۲۴، Retrieved December 3, 2019, from <https://www.saat24.news/news/452779/>

خانگی-در-ایران

[۳۲] سایه سنگین خسونت بر سر ارتباطات اجتماعی، ایرنا، Retrieved December 9, 2019, from <https://www.irna.ir/news/83512872/>

قتل جوان ۱۹ ساله مهابادی. (2019). . Retrieved 9 November 2019, from https://fa.wikipedia.org/wiki/قتل_جوان_۱۹_ساله_مهابادی

[۳۳] ۵ هزار مرد پارسال از زنان‌شان کتک خوردند، Retrieved December 14, 2019, from <http://ispa.ir/Default/Details/fa/1934/>

[34] Conflict of interest Definition, Black's Law Dictionary(sixth Edition.1990),299.

[35] Hans Toch,(1970). Book Review, Violent Men: An Inquiry Into The Psychology of Violence, The ANNALS, Volume: 390 issue: 1, 184-185.

[36] Henderson,monika.(1986). An empirical typology of violent incidents reported by prison inmates with convictions for violence. Aggressive Behavior, 12(1), 21-32).

[37] Raphael, David Daiches, The Moral Sense, London: Oxford Univ. Press (1947).

حوزه فضای مجازی به اندازه انقلاب اسلامی اهمیت دارد. این فضا مثل یک رودخانه پر از آب و خروشان است که می آید و دائماً هم بر آب آن افزوده و خروشان تر می شود. اگر ما بر این رودخانه تدبیر کنیم و برنامه داشته باشیم، زهکشی کنیم و هدایت کنیم این رودخانه را تا به سد بریزد، می شود فرصت. اگر رهایش کنیم و برنامه ای برای آن نداشته باشیم می شود یک تهدید.



csri.majazi.ir